



ترکیبات زبان ترکی

(مترادف - مکرر)
- متشابہ - متضاد

مولف : علی
اصغر غفوری نیا

1386

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول - مترادفات یا سینونیم ها

بخش دوم - متشابهات

بخش سوم - واژه های متضاد یا آپوزیت

(opposite)

بخش چهارم - واژه های تکراری

بخش پنجم - عبارات تأکیدی

بخش ششم - کنایه ها

بخش هفتم - عبارات

بیوگرافی مختصر نویسنده

منابع

ترکیبات واژه ها در زبان ترکی
مقدمه - ترکیبات کلام از ویژگیهای
هر زبان بحساب می آید و موجب غناء ، فصاحت
کلام ، ظرافت ودقت اندیشه بوده و از تکرار
کلمه واحد در یک متن جلوگیری می کند . این
اصطلاحات در زبان ترکی نیز که زبانی با

سابقه و فصیح درجغرافیای گسترده ای کاربرد داشته ، مانند هر زبان دیگر بوفوریافت می شود. اقوام ترک تبار از دیر باز ، با داشتن آداب و سنن و فرهنگ های واحد ، بصورت منقطع و در شرایط مختلف تاریخی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، و زیست محیطی زندگی کرده و برای پدیده ها و حوادث ، متفاوت برگزیده واستعمال کرده اند ؛ و همین مایه وسعت زبان وغناء آن شده است . بنابراین در میان اقوام و ملل ترک زبان دنیا اصطلاحات و عبارات زیادی می توان یافت که متنوع ، متفاوت و در عین حال زیبا و معنی دار می باشند. مرحوم پروفیسور زهتاب این کلمات را با لفظ «کثیر المعنی» بیان می کند. البته ترکیبات دیگری نیز هستند که فعلا مورد بحث ما نیست و از وضع دستوری آنها نیز بحث نخواهیم کرد .

این عبارات بقدری زیبا و گیرا هستند که کلام را تا حد آهنگ و سجع وقافیه همراهی نموده و در محاوره و بیان مطلب جزو صنعت ادبی و هنر بحساب می آیند . چنانکه انسان سخن سنج را وادار به تفکر در زیبایی و ظرافت و انسجام و استحکام زبان می کند. گوئی ، کلمات در تار و پود ابریشم لطافت تنیده و باموسیقی جادویی ، بیان شده اند .

زیبائی این عبارات و اصطلاحات چنانست که سخن « مان مولر (Max Muller) » زبان شناس معروف آلمانی را تداعی می کند که پس از بررسی و دقت بر این باور بود که : « ابزار گرامری زبان ترکی چنان منظم و قانونمند وچنان کاملند که این تصور را به ذهن متبادر می سازد که شاید بنا به رهنمود یک فرهنگستان، از سوی زبان شناسان خبره ساخته و پرداخته شده ؛ و جهت استفاده انسان ارائه شده است ... » و علاوه می کند : « زمانی که ما زبان ترکی را با دقت و موشکافی می آموزیم، با معجزه ای روبرو می شویم که خرد انسانی در عرصه زبان از خود نشان داده است.

«

این زبانشناس شهیر می گوید: "حالتی مبتکرانه ای که در آن وجود دارد ، اشکال گرامری بیشماری خلق می کند ؛ و نظم و قاعده ای که در صرف کلمات و ترکیب آنها حاکم است، و شفافیت و قابلیت فهم ساختار کلی آن ، باعث اذعان به قدرت شگفت انگیز ذهن بشر شده ! و خود را در قالب یک زبان برتر می نمایاند."

هرمن وانبری (Herman vanberi) زبان شناس آلمانی هم معتقد است که : زیبایی و کمال

زبان ترکی تا بدان پایه است که جایگاه آن حتی از زبان عربی نیز شامخ تر می باشد . چنانکه سازمان علمی- فرهنگی یونسکو اخیراً طی آماری زبان ترکی را سومین زبان زنده و با قاعده دنیا معرفی کرده است.

حیدربابی شهریار نمونه ای گهربار از این ترکیبات و اصطلاحات است. شاعر که خود سخن سنج و ادیب و مسلط بزبان و ادبیات عرب و فرانسه و فارسی و ترکی بود ، ضمن ستایش از زبان ترکی معترف است که : « ضرب المثل های ما را ملل دیگر ندارند و این حیث، بی نظیرند . » شاعرکلمات ترکی را چنان زیبا و متین نظم بخشیده ؛ و چنان استادانه بکار برده که کلمات عادی و معمولی ، رنگ و جلاء خاصی یافته و زلال و صافی و سادگی و صداقت خود را بنحو بارز عیان نموده ؛ و مانند عروسی آراسته جلوه گر شده اند . از این رو منظومه حیدربابا بسیار خواندنی و شنیدنی می نماید ! محالست انسان ترک زبان مضامین سروده ها را بخواند یا بشنود و متأثر نشود ! امید است شهریاران دیگر سرزمین ما این عبارات را در اشعار و نوشتار خود زنده نمایند . چنانکه نظیره نویسان « حیدر بابا » آن را تقلید و نماد های محلی را زنده

کرده اند ! از اهمیت حیدر بابا این بس که بصورت واحد های درسی درچندین دانشکده ادبیات کشور های ترک زبان تدریس و کار برد دارد .

آنچه نگارنده را تشویق بجمع آوری مترادف ها در زبان ترکی نمود همان اثرکم حجم اما پرمعنی وشاهکار بی همتای زبات ترکی (منظومه حیدر بابای) شهریار بود . من این ترکیبات را بقدری گیرا و جالب یافتم که که تک تک آنها را استخراج نمودم و همین مرا تشویق کرد که ترکیبات دیگری را در فرهنگ ها و متون ومحاورات مردم جستجو و یادداشت نمایم که حاصل آن کمابیش حدود 3000 ترکیب اعم از مترادفات ، مشابهات ، اضداد ، عبارات تأکیدی ، کنایه ها و ... (بصورت عبارت یا شبه جمله) بود که در این دفتر آمده است .

گفتنی است این تعداد ، کل مترادف ها و متشابهات و مکررات زبان مردم آذربایجان و ترکهای ایران نیست ، چنانکه از اصطلاحات رایج دیگر مناطق ترک نشین کشورمان ، مثلاً منطقه قره داغ (اهر - مشگین شهر و اردبیل

(یا ترکهای خراسان و گرگان اطلاع نداریم ولی آنچه میدانیم ، آنها نیز در پهنه وسیع ادبیات بکر و دست نخورده مردمی شان ترکیبات دیگری دارند که در زبان و محاوره غنی آنان جاریست .

بنظر استاد دکتر جواد هیئت اگر این کلمات و عبارات از میان ترکان کشور مان جمع آوری شود ، خود تشکیل یک دفتر و فرهنگ عامیانه ای خواهد داد که بسی ارزنده و ارجمند خواهد بود، و یا اگر در سطح وسیع از ادبیات ترکان دنیا که در محدوده های جغرافیائی و شرایط اقلیمی متفاوت زندگی می کنند ، گردآوری شود ، گنجی از عبارات و ترکیبات متنوع حاصل خواهد شد که واقعاً بی بدیل خواهد بود .

در کشور های پیشرفته فرهنگ های متنوعی از لغات و اصطلاحات و عبارات مربوط به رشته های گوناگون علمی ، ادبی ، فلسفی ، فنی ، تکنیکی ، دیجیتالی و ... گردآوری و چاپ شده است . مثلاً در انگلستان صد ها نوع از این فرهنگها و لغات ارائه شده که شایسته است ما نیز باید در این راه قدم برداریم . واقعاً دریغ است که در عصر ارتباطات کنونی از وجود چنین خدمتی غافل و مهجور باشیم ، زیرا این مجموعه ها نه فقط از فناء و زوال نکات

باریک زبان ترکی مانع می شود، بلکه انتشار آن موجب رواج و رونق این ادبیات غنی درگفته ها و نوشته های نویسندگان ترک زبان خواهد شد. بقول دکتر زهتاب زبانشناس آذربایجان : « این عبارات و اشارات برای بیان جهات گوناگون و تعبیردقیق معنی ، ایجاد احساس و تصورات همه جانبه ، برانگیختن احساسات ، توضیح معنای کلام ، تقویت نیروی تاثیرآن ، و بیان کلمات قریب المعنی و توضیح اصطلاحات علمی و درسی لازم است ». امید که این مهم نیز بهمت عاشقان و علاقمندان زبان و ادب ترکی تحقق یابد.

در این مجموعه مثال هایی از چند نوع ترکیبات زبان آذربایجان (مترادفات - متشابهات - اضداد - کلمات تکراری و کنایه ها) آورده شده ؛ ضمناً عبارات و اصطلاحاتی از اصطلاحات دو کتاب (حاجی آقا اثر صادق هدایت) و (همسایه ها اثر محمود محمود) انتخاب و ارائه شده است

ع.ا. غفوری نیا سال 1382

بخش اول - مترادفات یا سینونیم ها

مترادفات یا سینونیم ها: کلماتی هستند که دارای ترکیب صوتی گوناگون، ولی معنای واحد و نزدیک بهم هستند. مثل چن دومان ، ائل اوبا ، ایت قورد ، بوی بوخون (قد و قواره) ، یالان پالان ... یا گؤزل گؤیچک . در عبارت : « من بئله گؤزل ! من بئله گؤیچک ! منی ده سویا گوندرلر !؟ » کلمات گؤزل و گؤیچک مترادفند .¹ و یا در منظومه حیدربابای شهریار :

« بيلمزيديم دۇنگه لر وار ، دونوم وار آيريليقي وار ايتگين ليقي وار اؤلوم وار » که (دۇنگه لر - دۇنوملر) مترادف اند .

¹- برگرفته از حکایت های محلی

آب - بابا	آت - ائششک
آدسیز - سان	آش دان - داش
سيز	دان
حرف آ	
آخیر -	» ... بیر زاد
آیدین	آپ -
عاقبت	آیه ک «
آبیر - حیا	آران - یایلاق
آخیردا -	آرتا دا
آخیردا -	آردی -
ناخیر دا	آرادی -
آد - سان	آراسی «...»
(آدلی -	کسیلمز «
سانلی)	آرالیق -
آبیر -	آرتالیق
ناموس	آتیل - باتیل
آدلی -	» چرشنه «
سانلی	آرا - بره
آب - هاوا	آپ - آچیق
» آب -	آرا - سیرا
هاوالی «	آرادا - بره
آدی - سانی	ده
	آت - آشقال
	آتادان آنادان

آلی -	آری - دوری»	یار شیرین
شالی	صاف و خالص «	اولی شیرین
آسدا - اوسدا	آیین - اؤیون	² «
یا آستا -	آزا - چوخ	آز - آجیق
اوستا	آزما -	آت -
آج -	چوخ	فایتون
آستاجا -	آز - ماز	آروات -
اوستاجا	آتیلیب -	کیشی
آرخاداش -	دوشمک	آتا -
یولداش	آژ - سوسوز	بابادان
آچار -	آتیش - باریش	...»
آشیب - داشماق	آسیب - کسیر	قالمادی «
آچیب -	یا	ضرب المثل
آغارتماق	آسما - کسمه	آریخ -
آشار - داشار	آج بن -	اوروخ
آچیلیب -	سوسوز	آفتافا - له
ساجیلماق	آند - قسم	یه ن
آچیق - ساجیق	آدلی -	...دو دست
» سرو وضع نا	شانلی	، شام -
مناسب «		ناهارهئج «

² - ترانه ای است

آلیم - ساتیم	آلا - بله	آغ - قره
آمان - زامان	آلا - پۇرتي	سینه
«تاکیدکردن»	آلا - تمیش	«...باخماز»
آنا - بابا	آلا - توران	آخ - وای
آنا - آنا	آلاجا - بولاجا	آغیزلی -
آنا - بالا	آلاخ - بولاخ	بورونلی
ننه - بالا	آلا خانا -	«صاحب سخن
آند - قسم	بالاخانا	«!
آه - ناله	آلا - قره	آخار - باخار
یا	آلای - قولای	آغیللی -
آه و ناله	آلا - یاریم	کاماللی
آهیل - جاهیل	آلّقی - ساتقی	آلّی -
آی - اولدوز	آلما - آرمود	گوللی
آی دا - ایلده	آلما - هیوا	آلیش -
	آلّی - گوللی	وئریش
آی دان بیر-	آلن - قاش	آلا - بابت
ایلدن بیر	یا	آلا - بزک
آی داد - بی	آن - قاش»	آلا - بولا
داد	در آرایش»	یا

آوارا -	«عاجيز ...»	آي داد - آي
سرگردان	آتا - بابا	بي داد
آرا - اورتا	دان قالما	آي - گون
آراليق -	آچيق - ساچيق	آينا -
اورتاليق	آخير - اوخور	داراخ
آز - آچيق	«ته مانده»	آي - هاي
عاغيللى باشلى	آرا - آردى	آيم - سايم
آتيليب - دوشن	آراسى -	يا
آييق - ساييق	آرديسى	آيم ده -
آجى _ آغرى	آسارام - كسه	سايم ده
آلا باش- كول	رم	آي - هاراي
باش	آلاخ - بولاخ	آي - هاوار
آراماق-	آلدى - قاشدى	آيين -
آختارماق	«نوعى بازي»	اؤيون
آتيش - باريش	آچاليب -	آريق -
آلاي - اولوس	آشينماق	اينجه
آغرى - اوزونتو	«خوار شدن»	آيين -
آتيش - ووروش	آليشدى -	شاين
آچيق - آري	ياندى	آجيز -
آرى - دورى		آوارا

آليجي - سويوجي	آتیشما -	آيلىق -
آزغین - پوزغون	توتوشما	ايلىك
آند - ايلقار	آخ - واي	آيري -
آجياندا - جي		آزغین
جي ينده	آددیم - آياق	آلا - بولا
آغريلې - آجيلي	آنماز -	«گؤزومه ...
اصلی - سويلی	قانماز	«گلير»
سويلی - كؤكلى	آنما - قانما	آچيق -
آي حضرات آي	آييق - ساييق	آيدین
جماعات	آزديريجي -	آراما -
آهيندا -	اويدوروجي	آختارما
واهيندا	آردی - آرخا	آراييش -
آزگئتديلر -	آردی سي -	آختاريش
اوزگئتديلر	آرخا سي،	آرا دا -
آتيلپ - دوشمک	آيلار - گونلر	اورتادا
آدلي - سانلي	آلا - بولا	آرا بير -
آزماق - ايتمک	آغريلې -	سيرا بير
آردی - آرخا	آجيلي	آسقيران -
آغريتما -	آخار - ايشلر	اؤسکورن
اينجيتمه	«روان»	

- آرخالى	- ابىك ايىن	ات - قان
د اياخلى	سو ايچن	» اتىن قانىن
- آرخاسى	اتلى - جانلى	اولسون «
د اياغى «...»	اتلى - قانلى	ادا - اوصول
يوخ «	ايپه - ساپا	يا
آليز - آغرى	(... گلمز !	» ادالى -
(مرض)	(	اوصوللى «
- آجى ياندا	- احتراملى	
آغرى ياندا	حورمتلى	
- آياقداش	اخ - بره يا	آته - قانا
يولداش	ارخ - بره «	(... دولدى)
- آزديرما	مرز رود «	اتك - قيراق
آلداتما	- اويور	اوردك - قاز
آش - لاش	اويانير	ادب - اركان
- ازلدن	- اؤنده	» ادبلى -
باشدان	شاندا	اركانلى «
- باش	- اؤزنىمىش	ادب - كامال
بينادان	بئزنىمىش	» ادبلى -
- ارىش	- اوتورار	كامالى «
آرخاج «؟»	اوتورماز	

اکر - بیچر « ضرب المثل - اَدیلی -
 اکر - تۆکر « بودولی یا
 الچه - گیلان « اَدیلی -
 ...گئتیریب! « اسباب - اشیا قیدیلی
 در مقام ایراد « شئی - شور ار - آرواد
 گویند! « اریک - الچه
 اسیب - ازیلمه -
 « الی - جوشماخ بوزولمه
 ایاخلی « اسمه - ازگین -
 ال - ایاق بوزگون
 «...دان اسباب امرار -
 چیخماق « وسائل -
 الده ن - آمانا - ازیلی
 «... قالماق اشراف بوزولی
 آلك - ولک - ایفتیرا - ایش - گوژ
 ...قالیپ « بؤهتان - ایشلی -
 سرگردان اکمه - بیچمه -
 ال - آووج « اکین -
 «...نی اوتوزوب بیچین «
 «
 -! جهنمه !

اوتانيب -	ال - اياق	ال -
قيزارماق	«... ائله مك	توتار»...يند
اوتانيب - حيا	«	ي داغيدپ «
ائلمك	اللي -	ال - قول «
اصلي - نسب	اياخلي	چالماق «
«اصيللي	اللي -	ال - قول «
نسبلي دي «	آلتميش	«... آچماق «
	«50- 60 «	« الي قولي
آلو - پيلوو	اللي - ديللي	چوخدي «
اولماز -	«...يوخ	الدين -
قالماز	اولدي «	قولدان «
آلا - قورا «		«... دوشماق«
كال و نارس «	الده ن -	الدين -
اؤلچي - بيچي	اياخدان «	ديلدن «
اليف - بئي)	دوشدي «!	«... دوشماق«
الب - ب (	الين - قولون	« ال -
ائن - اوزون	(وار اولسون	اياغي «
اندر - دؤندر	(	«...توتماق
انگي به آغيز	امين -	«!
(پُر)	آمانليق	

ايرىلى - خىردە	كىرشان »	ايشاللاھ -
لى	آرايش «	ماشاللاھ
اوزون - اوزادي	ايت - پيشيك	ايمام -
اؤرت - باسير	اوغري -	قورآن
اؤلمە - دىريل	دوغري	ايمام -
ايين - باش	اؤلمز -	پيغمبر
ايينه - تە بە	ايتمز	اوتلي -
نە « سوزن »	اولوب -	سولي
ائو - ائشيك	قالينجا	اوت - اوجاق
اوجسوز -	اوچ - دؤرت	اۋتە دن -
بوجاقسىز	بىر - ايكى	بري دن
» اوجي -	5 - 6	اوت - الوو
بيجاغي يوخ «	7 - 8	اوت - علف
اورە ك - بؤيره	10 - 12	اوتور - دور
ك	5 - 10 دنە	يا
ايچ - آلات	...	اوتوروشوق -
اوز - گؤز	50 - 60 - دنە	دوروشوق
اۋلدوم -		اۋلچي -
گنچديم	اوشاخلي -	بيچي
اۋلوم - طولوم	بؤيوكلي	انليك -

اۋيود - نصيحت	ائىلە باغ -	ائىل - اوبا
اولمويىا -	بئىلە بوستان	آتىلىب -
بىلمىيە	ائىلە قوي -	دوشماق
اونى - بونى	بئىلە گۆتور	ائىل - طايىفا
اۋل دئسە اۋلر -	ائىلە اولدى	ائىل - آرخا
قال دئسە قالار	بئىلە اولدى	ايشىم -
ائىلە دگىل -	اوتوننان -	گوجوم
بئىلە دي	آرپاسىننان	ائىلە - بئىلە
ائىلە دە اولار	اوتلى -	ائىلە دئمە
- بئىلە دە	كوللى	- بئىلە
اولار	اوركسىز	دئمە
اوست - باش	دىركسىز	ائىلە اوتور
«ايىن - باش»	اوزوندن	- بئىلە دور
اوغورلوق -	گۆزوندن	ائىلە اگىل
دوغورلوق	(اۋپدى)	- بئىلە دور
اورا -	اويان -	ائىلە جە -
بورا	بويان	بئىلە جە
اود - كۆز	اوز - گۆز	ائىلە دن -
«اوت - الاو»	اۋيود - ادب	بئىلە دن
اي داد - بىداد		

آرا - اورتا	اتير - پوتور	ائو - اوشاق
اورتا - سيرا	(عطر)	ايتدي -
اول الله - ممش	اوتلي - سولي	باتدي -
اوغلو (كهنه	ال - اياغ	گئتي !»
شهر)	...» دان	ائو - اوجاق
اوغلاخ - قوزي	چكىلدي»	اوغلاخ -
اوخشويوب -	اوتانماخ يوخ	قوزي
آغلاماق	- حيا يوخ	اودون -
ايتگين -	گۆز گۆرمور -	آغاش
باتقين	اوز اوتانمير	ايلان -
اسدي - جوشي	ال به -	چايان
اودون - آغاش	ياخا	ايرين -
ايچ سيز - ديب	اته - قانا	چيرك
سيز	«دولدي»	ايز - توز
آشدي - داشدي	اندر - دؤندر	اينجي -
اونه دي - بو	اوتور - دور	مرجان
نه دي ؟!	اوتوروش -	«ايينه ينن
اوخوماق -	دوروشوخ	- تبنه «
چالماق	اوتوروما -	ائيلي -
	دورما	قيديلي

اوروق - اولوس	-	اوسلو	اويور اويور
اوزاق - قيراق		باشلي	اوينايير
اوسلي - باشلي	-	اوجسوز	اويوم اويوم
ايرين - چرك		بوجاقسيز	اويماق
(		اؤزالي-	اؤلسم ده -
اوست - باش		اؤزباشي	ايتسم ده
«...دان	-	اوزگون	اوجي -
چيخماق»		دوشگون	بيجاغي
اري يوخ - ايه	-	اوخوما	«...يوخ»
سي يوخ		يازما	ائو - اوبا
ال آچيق - گؤز		او ال - بو	يا
توخ		ال	ائل - اوبا
اؤكسوز - باش	-	اؤده ييش	اوغرو -
سيز		قايتاريش	دوغرو
ايچيشمك	-	اووونتو	اوغورلوق -
اريشمك «؟»		تؤكونتو	دوغورلوق
ايرين - چيرك	-	اؤتكه لي	اود - كؤز
ايرينلي	-	جيگرلي	اورا - بورا
چيركلي	)	ايچي بوش	اوره ك -
كيرلي)		باشي بوش	اؤتكه

اسمە - تىترە	اتك - ياغ	اورگى زىغلى
مە	اومسوز -	- گۆزۈ دار
ايىي - قوخي	اومود سوز	اتلى- ياغلى
ازمە - بوزمە	ايتىب -	اتە ك - آيا
اولوش - اولوم	باتىب	ق
«زادن»	ائيري -	ائن - بوي
اوس سوز - اۇنم	بويري	- اۇرتلو
سىز «ركىك»	اوجاق -	باتىلى
اينجي مە - سين	اوداق	- اۇرتولو
سىمە	اومو - كوسو	گىزلى
ايچى بوش -	اوردان -	- اۇرتلى
باشى بوش	بوردان	باسىرلى
ات - اۆتكە	اوتوندان -	ايش بىلن -
ائيري- آزغىن	اوجاغىندان »	باش چىخاران
آري - دورى	... اولدى»	- اىستى
اينىلتى -	عزا - جزا	ايشىق
سئزىلتى	اوبالار -	- اوبالار
اپرىمىش	اويماقلار	- اويماقلار
چوروموش	ائشلىي -	
اوستو - اوجو	ايرىلى	

اۋونى -	اۋلوم -	اۋنم سىز -
گۈزۈنى (توك)	دۈزۈم	دئىر سىز
باسمىش دي)	اۋلوم -	اوش تئلى -
ايراق - قيراق	اۋزۈم	دۇرت تئلى
!	اۋروش -	بئش تئلى -
ايراق - اوزاخ	اوتلاق	...»
عار - ناموس	اينام - اۋنر	دورنام»
اىستر دۈيۈشدە	« راي - فكر»	اوجا - اولو
- اىستر	اسمە - تىترە	ايشىلتى -
اۋلومدە	مە	ايشارانتي
آغلار - بىگلر	اويماز -	«...يوخ»
- خانلار	اوخشاماز	اوتانماز -
حرف- ب	اينىلتى -	چئكىنمز
بازار - توكان	ايزىلتى	ايچ - اۋزە
باجى - قارداش	ايرى - ايرىم	ك «سليقه»
باش - اياق »	ايرى -	اوزگون -
ازدواج «	ايرىمچە	دوشگون
باشلى - گۈزلى	اوجاق -	ايگيت - ارە
باش - گۈت	اوداق	ن
		اۋتن - گئچن

بورج سوز - خرج	بوبون -	باش - گۆز
سيز	بالدير	باش - بدن
«بدون سرمايه	بئل - بوخون	باش - بئيين
»	باش - قولاخ	باش - قولاخ
بزكلي -	باغ - باغات	باغ - بره
دوزكلي	باغ بئله -	باشلي -
بزندي - دوزندي	بستان بئله	بدنلي
«آرايش»	بوي - بوخون	ياشلى -
باهار - ياز	«بويون -	باشلى
بار - به هر	بوخون «	باققال -
برك - قه حيم	بويون -	چاققال
«محكم»	بوغاز	بال - خاما
بند - بره	بيشير -	بالا - بولا
«بت - بره «	دوشور	» چولا -
بو خط - بو	باغير -	چوجوق «
نيشان !	بئيين	بال - كره
بوش - بئكار	بيت - بيره	بال و - پر
بورون - داماخ	بويلا - باشا	قول - قانات
تهر - تند «	«...چاتدي»	بیر بادام -
«...ائله مك		بیر باش «؟»

بورردان -	بهره - بر	بورون -
اورردان	زهره - زبر	تيرين
بیر - بیره جیک	بیره م - بیر	خط -
«تنها»		نیشان
باتقین -	بومیدان -	بو سن - بو
پوزغون	بو شیدان	من
بوي - بوخون	بي بي لي- بي	بیردن -
به يه - په يه	بو «؟»	بیره
«؟»		بنشیک - بلک
بزه ک - دوزه ک	باغلي -	بنش - آلتی
باش سیز -	بوخوولي	بنش - اوش
بئین سیز	بویا -	« قیران »
بوللوق -	بویاق	بنش - اون
چوخلوق	رنگ - روف	نغیل -
بویون -	به ره - به	نوغل
بوخاق یا بوخاو	یه «زاغه ؟»	
بؤیور - بؤلگه	باخیش -	بیغ - سقل
با تیق - پوزوق	گؤروش	بنناموس -
بیخدییم -	اوتلو -	بنشرف ! »
اوساندیم	سوللو	توهین «

بۆلۈم - بۆلۈك	بويون -	باش آين -
بوي - سوي	بوخاق يا	دیزه چۆكن
باشي اوجا -	بوخا و	«...دگيل»
آنلي آچيق	بۆيور -	به يه - په
بوروشوق -	بۆلگه	يه «؟»
دولاشيق	با تيق -	باخيش -
بيتي - سيركه	پوزوق	دوروش
سي «...بير دي»	باش - ايين	بولوم -
بئش گون - اوش		سولوم
گون	به يه - په	بوردان -
بیر اۆلچوده -	يه «غار	اوردان
بیر بویدا	و...»	بويون -
بیردن- بیره	بورا - توران	بوغاز
بوز - بولانلیق	(؟)	باتقین -
باخیر - یاخیر	بول -	پوزغون
باشلارکسدي -	باسیریق	باش سیز -
قوللار قیردی	بیلگی -	بئیین سیز
پاشالار - بی لر	بیلیک	بوللوق -
بویدان - بویا	باغیرتی -	چوخلوق
	نئریلتی	

وزني درتبريز «	پولي چوخ -	باشاق -
پوسته - بادام	گونى قره !	ماشاق (؟)
پيشير - دوشور	پاشالار -	بئلى اوجا -
آين - پالتار	خوتكارلار	بويى مينا
-		بونى
پالتار -	پاران -	دوگوردى -
باشماق	پارچا	اونى
پپه ايين نن -	پارچا - تيكه	سوگوردى
ممه ايه نه	پاكت - كاغاز	دويمه -
پير - پيچاخ	پاي - بؤلوش	سويمه
پاس - پاساناخ	يا	بسله ييب -
پلتن - پولوش	پاي - پولوش	دريپ - سريب
پشيرمه -	پاي - پوشك	
دوشورمه	پسه - پوسه	« باكىم يوخ
پال - پالتار	پوخ - پوسور	پاشادان
پاي - باغيش	پوخ - سودوك	،سلطان نان،
پاخلا - پيتيك	پول - پله	« خاننان »
«گردن بند»	پونزا -	
	هفديرم »	حرف - پ
حرف ت - ط		

توپ - توفک	تاي - توش	تھر - توند
تختہ - تاباخ	تاي - توشلاري	تاب - توان
توفک - فوشک	تاي - دئيشيک	تارا -
توپ - تشر	«عوضي»	توپپاز
تيرہ - توپپاز	تک - واحيد	تار - تانیش
» رک و صريح و	» بير تک	تاراققا -
ناگهان «	واحيد»	توروخ
تيکە - پارچا	تپہ دن -	شاراخ
تپ - چؤوور	ديرناغا	شوروخ
تخجہ - بوخجا	تر - تزه ک	تارتان -
توز - تورپاخ	طنبي - تالار	پارتان
توخوم - تولہ	ترمہ - تلہ	تاتي - پاتي
توي - بايرام	سيک يا	تھيز - تھمت
توي - دويون	» تر- تلہ	تتہ - پتہ
توي - بوسات	سيک»	تالان -
توي - تاباخ	تندير -	تاراش
توتوش - ووروش	اوجاق	طايفا -
توتوش - دؤيوش	تنگ - تاو »	تيريخ
توکان - بازار	سيخينتي «	

اﺋﺸﺴﯩﺰ - ﺗﺎﻱ	ﺗﺎﺳﺎ - ﭘﺎﺳﺎ	ﺗﻮﻥ ﺑﻪ -
ﺳﯩﺰ	«؟»	ﺗﻮﻥ
ﻳﺎﭘﺎ - ﻳﺎﻟﻘﯩﺰ	ﺗﯩﻨﮕ - ﺗﺎﻭ	ﺗﯘﺭ -
ﺗﺎﻧﯩﺶ - ﺑﯩﻠﯩﺶ	ﺗﯩﺮﻣﻪ - ﺷﺎﻝ	ﺗﯘﻛﻮﻧﺘﯩ
ﺗﺎﻧﯩﻨﺎﻥ - ﺑﻮﻟﻦ	ﺗﻮﺭ -	ﺗﺎﺭ - ﺗﺎﻧﯩﺶ
ﺗﭙﻪ - ﺩﯨﺮﻧﺎﻕ	ﺗﻮﻛﻮﻧﺘﯩ	«ﺗﺎﻧﯩﺶ -
ﺗﻚ ﺩﻥ - ﺗﻮﺣﺪﻭﻥ	ﺗﺎﻱ - ﺗﻮﺵ	ﻣﺎﻧﯩﺶ»
ﺗﻜﻪ - ﺗﻚ	ﺗﺎﻱ - ﺩﯨﺸﯩﻚ	ﺗﻮﻳﻮﺥ -
ﺗﭙﻪ ﺩﻩ ﻥ -	ﺗﺎﭘﻠﻤﺎﺯ -	ﺧﻮﺭﻭﺯ
ﺩﯨﺮﻧﺎﻏﺎ	ﻛﯘﺭﻭﻟﻤﺰ	ﺗﯩﺸﻪ - ﻣﺎﻻ
	ﻳﺎﺳﺎ -	ﺗﯩﺮ -
ﺣﺮﻑ- ﺟ	ﺗﯘﺭﻩ	ﺗﯩﻜﯩﻨﺘﯩ
ﺟﺎﮬﯩﻞ - ﺟﻮﻣﺮﻭﺕ	ﺗﻮﺭﺍﻧﻠﯩﻖ -	ﺗﯩﺮ- ﺗﯩﻜﺎﻥ
ﺟﯩﻨﮕ - ﺟﺪﺍﻝ	ﺑﻮﺭﺍﻧﻠﯩﻖ	ﺗﯩﻠﻠﯩ -
ﺟﺎﻥ ﺳﻨﯩﻦ -	ﺗﯘﺭ -	ﺑﯩﺮﭼﻜﻠﯩ
ﺟﻪﻧﻢ ﺍﻟﻠﻪﯨﻦ!	ﺗﯘﻛﻮﻧﺘﯩ	ﺗﯩﻜﯩﺶ -
ﺟﺎﺩﯨ - ﭘﯧﺘﯩﻚ	ﺗﻮﺭﺗﺎ -	ﻳﺎﻣﺎﺥ
ﺟﺎﺩﯨ - ﺟﯩﺒﯩﻞ	ﺗﯩﻠﯩﻒ	ﺗﻮﻧﻮﻛﻪ -
ﺟﺎﻥ - ﺟﯩﻴﯩﺮ	ﺗﯩﻨﮕ - ﺗﺎﻭ	ﺷﺎﻟﻮﺍﺭ

جوره به - جوره	جانا - جونا	جانلي -
جويز - بادام	» آدم بیکار	باشلي
جبري - قهري	«	جاه - جلال
جي ير - بؤيره	جانندان -	جلال - بيلال
ک	باشدان	»...اؤیوني
جوفت - جور	»...گنچماخ	در سلماش»
«فارسي»	جيدد - جهد	جوان -
جور - جوړو	جانيم - جی	جاهيل
جين - جعفر	يريم	جنريم -
«لقبي بوده»	جنزما - قره	جنرتق
جيككي - بؤككي	جنز - وئز	جنريم -
جوگگه -جوك »	جيره - نفقه	جيندا
جيك جيك «	جنغان - فغان	جهنمه -
جيرىخ - چاتلاق	جنغ - وئغ	گورا
جنريق - شيريق	يا	جهنمه -
	«جغغه -	گوراکی
حرف - چ	وئغ»	جور - جفا
چاققا - چوقق	جي جي - باجي	جد - آباد
چالا -چوخور	جور به - جور	
چال - چاپ	يا	

چايرلى -	چىلوو -	چال - چاغير
چىمنلى	پىلوو	چال -
چىرىل - چىلپاق	چكىش - بركىش	چارپاز
چۆلمك - چاناخ	چم - خم	چال -
چومور دىزدە -	چۆر - چۆپ	چاتلاسىن -
سو بوغازدا	چولوخ -	وور پاتلاسىن
چىغر - وىغر	چوجوخ	عثمانى -
چوخلوخ -	چولا - چوجوخ	چال -
پوخلوخ «...دى	جانىم -	اويناسىن
چىغر - باغر	گۆزوم	چالىب -
چىيە - پىشلاخ	جنگ - جدل	اويناماق
چىئىنە - توپور	چىنلى -	چالىب -
چول - چاپىت	چىسكىنلى	اوخوما
چىلىم - چىلپاق	چالىب -	چاي - چىمن
چىلىم سىز -	اوخويان	چاي - چشمه
ياراشىق سىز	چم - خمه	چاي - چۆرك
چىر - چپ انداز	چال - چارپاز	چاي - قت
چىرىل - چىلپاق	چۆلر -	(قند)
	ياماجلار	چىلوو -
	چال - چۆوور	كباب

حقداري -	چوخلي -	جى يين -
موختارا »	بوللي	بۇيۇن (عرض
...يئتىرن دي»	چاپار -	اندام (
حربە - زوربا	چوغول	چولا- چولوق
يا	چالين دي -	چنە - بوغاز
حرب - زور	چيرپين دي	« بحث »
حربە - ھداغا	چئن - دومان	چوخلو -
حياط - باجا	چۇنموش -	بوللو
حاضرير - ناظير	دۇنموش	چۇلدە -
حال - حوصلە	چوك - داششاق	چايدا
حسن - حسين	« ايشلريميز	چابالا -
حالي - مالي	چيخيىب ...»	چاليشما
حالي - پوللي		چال - چاغير
حالي جا -	حرف - ح	چاتلاماق -
دوللوجا	حال - حاضر	پاتلاماق
حدّ - حدود	حاشا - بك الله	چاتا -
حدّ- مرز	حال - هوس	چاتلاق
ھدي - ھودي يا	حال - ھوى	چورويوت -
ھدي دي - ھودي	حککە لي -	اپري ييت
دي	ھاوالي	

خاڤا - ٻلا	حوري - ملك	حربه -
(خطا - ٻلا)	حوري -	حداغا
خاريلتي -	قيلمان	حربه -
گورولتي	هستنه -	زوربا
خالا - خاطر	ڪوٽنه	هپير -
(... ڀن	حسن - حسين	زوڀور
قالماسين)	«...ايڀڪ دي»	هپير -
خالا - خانباڄي	حيم - جيم	چوپور
خالايين خابباز	خيل - خشيل	حقسيز -
- شالايين	حادير -	حسابسيز
شاهباز	حاڀان » رصد	حيرص - هاوا
خال اوغلي -	«	حساب -
بيب اوغلي		ڪيتاب
اؤلوم - ظولوم	حرف - خ	حقسيز -
خانيم - خاتين	خورمان -	موخسوز
خالص - موخليص	چورمان (؟)	حيرص - توز
خير- خشيك	خوش دانيشان	حيدر - صفدر
خشه - خوشه	شيرين گولن	حال - هوا
خرمن - خه ڀن	خاراب -	حاى - هوى
خسته - خمير	خوراب	حشم - خدم

خورد - خوره ک	خاببا دان -	خش- خوش (
خججه - خبر	تاپپادان	(خرج)
خاشا - خار	خوي - خاصيت	(خرج -
	خئرچه - خيار	خورج (
	خيير - برکت	خبر - اثر
حرف د-ذ	خيريم -	يا
داد - دوز	خيردا	(خبر -
داد سيز -	خيردا -	اثر)
دوسسوز	ميردا	خور- پوف
دادلي - دوزلي	خيير دير -	يا خوررا -
دار - لولوک	انشاء الله	پوف
دار - دودوک	خيرده -	خلت- خندان
دارامبا -	خوروش	« درعروسي»
ديریم	خيش - خيشا	خمس - زکات
داربا - داغيم	(گلو درد)	خوش - بئش
داش - که سسک	خه ين - جه	خيرت - پيرت
داغ - دره	ين «؟»	خيير -
داغ - داش	خم - چملي	احسان
داش - باش	خول - بوداغ	خط - نوختا
	يا قول ...	خط - نشان

داوا - شاوا	دامدا -	داش - ترزي
دېدېه - كېكېه	باجادا	داش - دمير
دده - بابا	دام ديرگي -	دالدا -
دده - بابا	ايوان شاطري	بوجاخ دا
دان «قالما»	«...گولبه سر	دامبا - دام
دره دن - تپه	«) تعريف	دارامبا -
دن	خيار (	دارام
دربه - ديرريك	دان - توره	داش - كرپيش
دينمه - دئيمه	«وقت»	دارا - بارا
دليك - دئشيك	دام - ديرك	«...سالماق»
دئدي - قودي	دامن -	(شلوغي)
ديين - گولن	شالوار	دلي - جينلي
يا دئييب -	دامبيل -	نه ده لي
گولن	داشاق	اولاسان - نه
دؤنگه لر -	دان - اؤوره	جين لي...
دؤنوملر	دانا - دولوق	دويغو -
دئييب -	داوا - درمان	دوشونجه
دانيشماق	دوا - دووا	دام - داش
دير - دئر)	داوي - شاي	دام - دووار
دئيینگل)		

دده واي - ننه	دم - دسگاہ	ديار به -
واي !	يا	ديار
ديللي - ديلاور	دم - دزگاہ	دره به -
دؤش - باش	(دملي) -	دره
دوشک - باليش	دزگاہلي)	دره - کنډال
ديلدن - ديله		داد - فرياد
دوشمک»	دعوا - دالاش	ديشلان - ديش
دوغما - دولاما	دفتر - دستک	دله - دوز
دوغوردان -	ديقه به	دؤيمه -
دوغروسونا	ديقه (دقيقه	سؤيمه
دولاما - دولاشيق	به دقيقه)	دوه نظرم -
ديل - آغيز	دلي - دلخک	بئله گئزرم !
«...ائله مک	دلي - جينني	درد - ورم
ديشي -	دلي - ديوانه	درد - چور
ديليني...کسیردي	دم - دمي	دوغوت
دیش - ديرناق	«...مزاج	بوغوت «با
دیش - دوداق	دم دمي	تجربه «
ديب - ديبه	گئتيرر - غم	دئربو - هئر
ديم - ديم	غمي !	چو « لقبی
	دن - دوش	بوده «

داش - قاش	دلىرير -	دمبلىدیر)
«زىور آلات»	قودورور	كهنه شهر (
دوم - دوز	دىللى - دىبك	دىل - دىش
دۇيوش - دالاش	لى	دئىمه -
داوا - دالاش	دۇنگه -	دوشر
دوروم - چىخ	دۇنوم	دويقو -
داش - قاش	دوست - آشنا	دىلك
«زىور آلات»	دىن - ايمان	دىش -
دۇيوش - دالاش	دَينه ييم -	دىرىنگى
دۇيوش - دوروش	كپنه ييم	دئخ -
دوغرو - دوزگون	الله	دئغالى)
دون - ياغمور	اكبر (مثل)	دغدغه (
داشلى - قوملى	دىنمه - وئر	ذليل -
دويغو -	دىنمه -	گرفتار
دوشونجه	گۆتور	دىن - مصصب
دوروم - دوروش	دىنمه -	درين - دركن
دويماز -	دانىشما !	(؟)
دوشونمز	دۆزمه -	دولت گره ك
دۇيوش - سۇيوش	دايانما	-سور گره ك
دلىك-دئشيك		

رسم - رسوم	داد - دوز	دۆزمە -
رفتار - کردار	دوروش -	دورما
ریزه - میزه	دایانیش	دئییم -
رنگ - برنگ	دۆزمە -	دوروم
زار - زاوات	دایانما	دامو - تامو
زهر - زمبرک	دویغو - دیلک	«جهنم»
زارت - زورت	دینمز - ائله	دۆزمە -
زلزله - ولوله	مز	دایانما
زیببا - زیب	دینمز -	دیله دیشه «
زئر - زئمریخ	سؤیله مز	دوشمک»
زئرا - زئر	دولي - د اشار	دولو -
زئرتا - زئرت	دئییم -	داشقین
زئر - زئرو	دئییش	دایانیش -
زیرنا - بالابان		دوروش
زیرنا - قوال		اله - دوله
زئر - گور	حرف-ر	دده لی -
زهر - زبر	ز-ذ ظ ض	ننه لی
	رنگ - روف	«...اولسون
زئر به - زئر	راستا - حسینی	=دعا»
«فحش»	فارسی	

سس - سمير	ساتدي -	زئر به -
سس - کوو	ساودي	گؤت
سس - صدا	ساري - ساغان	زري ده وار
سس سيز - صدا	«؟»	- زوري دا
سيز	ساز - باز	وار
سر - سفئه	سازلي -	زور - بلا
سفئه - مفيه	سؤزلي	«...ينان»
سكسن - دوخسان	ساژ - ماژ	زور - مصيبت
«بیرگون یوخسان»	«؟»	«...ايلن»
«	ساغ - سالييم	زور -
سگگيز -	ساغ - سلامت	زوراکي
دوققوز	ساللان -	زير - زيبيل
سلام - صلوات	بوللان	زئرت - پرت
سور - سوموک	ساغ اول -	ضرر - زيان
سایماز -	واراول	زئر -
قانماز	سس - ساو	زئمرئخ
ساي سيز - حساب	«سسسيز ، ساو	زئخ - چومور
سيز	سيز»	
سورتلمه -	سالدي -	حرف - س
دورتلمه	چيخدي	

سوسن -	سۆكوب -	سىلدىرىم لىر -
سونبول	قوشان »	لىر سره
سووق - سوآل	اۆزى... دى»	سىنىخ - سالخاق
سۆز - ساو	سىكىش -	صاف - سادە
سئومە دە -	قىرىش	سارالىب -
سۆي مە دە	سىل - سوپور	سولماق
سىلدىم -	سىللە - تپىك	سازلى - سۆزلى
سوپوردوم	سئل - سو	سوغان -
»... ها بودى	يا	سرىمساق
گلىدىم» (	سئلر -	سن ساغ - من
مئل)	سولار	سلامت
سامبالان -	سىخما -	سور - سات
صاف	بوغما	سفىل - سرگردان
سون -	سىچىب - ايشە	سوباي - سولطان
سونوندا	ماق	سىسقا -
سوي - سوپ	سئرر - سئخ	سارالمىش »...
» اصل و	»محكم»	آزدانىش! «
تبار»	سىلىم -	سر - صدا
سن هارا -	سئرئىق	سئوگى - محبت
بورا هارا		

ساواش - دۇيوش	سېلدىم -	سايىر -
ساواش - آلاش	سوپوردوم	بايىر
سال - چىخ	سېلكىندىم -	سولو -
سئزلىتى -	چىخدىم ! -	شئحلى
گىزىلتي		سۆز - سوراق
ساغ الي - ساغ	ساي - سىچمە	سانىلى -
گۆزي	سىللە -	سايىلى
سۆكۆك - تۆكۆك	شاپالاق	سانىم -
ساي - سان	سوسماق -	سايىم
سەحەك - سە	سۇنمىك	سارىق -
غەر (؟)	ساپا - ساغلام	سرىك
سىر - سىفت	سس لى -	سىزى - گىزى
سئويىب سىچىب	بانلى	«التماس»
بىگىمىش	سوت - قاتىق	سىزىلتي -
سۆزە - سازا ()	ساكىنما -	اينىلتي
بازدى ()	چكىنمە	سىلمە -
سرە - سرپە	سۆز - ساناغ	سوپورمە
سىچانين	ساتقى -	«گىردىم»
دلىگىنە -	ساتىش	دگىرمانا...

«

قوشون	شهله - شه	شاد - خرامان
قاناديتا »	هيد	شال - اوزوك
گيرسه «	شورلي -	شان - شؤهرت
	شورحلي	شاگرد - معلم
حرف - ش	شرط - شورط	شور - شوون
شان - شوكت	شخشه - شه به	شرف - ناموس
شاختا - قار	ده	شله - كوله
شاخسئي -	شيل - كوت	شاه - وزير
واخسئي	شيله - پيله	شله - شوله «؟»
شار -	شيله - شوربا	شيرين دوست
شاققال	شريم - سيريم	،مهربان يولداش
شاهاد -	«سهم»	
اثبات	شورها - شور	
شام - ناهار	يا شور - شور	حرف ص
شله - شور	شمس - قمر	ض ط - ظ ع - غ
شر - شور	شيي- شور	عاطيل - باطيل
شره - شور	«اشيا»	عالم - آشكار
شيليم -	شيره - شئرتو	عبا - قبا
شهله	و	عار سيز -
	شاخ - برگ	ناموس سوز

غم - غصه	عطير - پوتور	عاغيللي -
غصه - كدر	عراق - شراب	كاماللي
غرض - مرض	عليل - ذليل	عقيللي -
عشوه لي - غمزہ	عجاييب -	هوشي
لي - نازلي	قرايب	عدي - بودي
	عذر - بهانه	عزا - قمه
حرف - ف	عزيز -	علم اي - قم
فيتنه - فيره ک	دردانه	اي
فارس - تورک	عشوه - غمزہ	عزا - جزا
فرش - ظرف	عشوه لي -	«...وئردی»
فهم - فرهنگ	غمزه لي	عمي قيزي -
فرداً به - فرد	عقيل - كامال	دايي قيزي
(فارسی)	عملي -	عمي دن -
فلان - بهمان	باشلي	عممه دن
فالان - فيلان)	عشوه - ناز	«...يوخدي»
ترکيه)	عوض - بدل	عم اوغلي -
فسق - فجور	عيال - اولاد	بيب اوغلي
فتنه - فساد	عياش - قمار	عم اوغلي -
فيتقا - فيشقا	باز	دای اوغلي
فاغير - فوگارا		

قار	-	ياغيش	قارا با - قارا
قار	-	كولك	قارپيز - قاوين
قاشى قره	-	گۆزى	قاش - گۆز
قره			قاش - قاباخ
قاري	-	قوجا	قابيرقا -
قارين	-	قورساخ	سابيرقا
قال	-	ماقال	قاپ - قاچ
قالين	-	قه هيم	قاتما -
قان	-	قوخ »	قاريشيق
مانده		كشتار«	قات - قاريشيق
قان	-	قباحت	قاچدي - دوتدي
قان	-	قيامت	«بازي كودكانه
قانلي	-	قاتيل	«
قانون	-	قايدا	قاوالا - قاشدى
قور	-	قوهوم	قيز دي ! -
قور	-	قودوخ	قيزيل دي !
قوهوم	-	قونشي	قار - بوران
قوهوم	-	قبيله	قار دا - بوران
قه يين	-	قودا	دا
قول	-	قيش يا	قارداش - باجي

قيراخ	بيجاخ	قحبه اوغلي -	قيش - قول
«سالماق»		قحبه «فحش»	
قره قاش - گۆز		قحبه - گ ...	قووه - قودرت
قره قاش - قره		« فحش»	قره - قوره
گۆز		قفلہ - قاطير	قيامت - قيام
قويون - قوزي		قرقه - قجه	«... اولدي»
قيز - گلين		له	قره - قوري
قيز به - قيز		قجله - خه	«... يئر»
قت شکر « قند-		يير خبره ! (	قوي - گۆتور
شکر «		مثل)	قبيض - بارات
قت دي ! شکر دي		قويماق - کره	قحبه - جينده
! (ناز بچه»		قرقيش -	« فحش »
قت دي - بال		نالیش	قحبه - قوحبه
دي !		قيره -	(فحش)
قت - شیرني «		قيرتیش «	قاوالا - قاشدي
قند - شیريني»		خربزه و ...	» بازي
قانار - قانماز		قه هر -	کودکانه»
قدم بَ قدم		قوصمه	قرمساق -
قدیر - قيمت		قیرا خ -	ديیوٹ «فحش»
قرار - مدار		گؤبک	

قزوو - قدر	قارپينا »	...اويناماق «
قلم - دوات	الاغ كه خود	قول - بيلك
قمه - قددره	را بخارد»	قوللي -
«قداره»	قارداش -	بيلكلي
قوران -	يولداش	قيل - قويروخ
«كيتاب»	قارقا - قوزون	(توهين)
براي سوكند»	قارين -	قوهوم - قبيله
قورتا -	قارسيخ	قئوير - زئور
قورت	قال - ماقال	قليش - قالخان
قوس - قوزح	قانا - قان	قيزاردي -
قوققولي -	«...ائيلي ين	بوزاردي
قوقو	«	قييار - قيماز
قوپ - قوري	قيرلي -	قيوريم -
قات با قات	قيرلي	قيوريم
قوت - قوش »	قورويوب -	قيوريلدي -
قورد - قوش»	قالماق	آچيلدي
قول - بوداخ	قوناق - باجي	قئست - قيوراخ
قوررا - قور	»	(محكم)
«ائيلمه»!		قوجا - دوشگون
قارپينا -		

قولي اولوب -	» پس از	قيي - كيي
قوللوق	بارندگي	«كنار»
ائيله مك	قوري بيگ -	قان - تر «...»
قول كيي	قوچي بي (	ايچينده «
-	توهين)	قرقه - قجله »
قوللوغوندا	قول - قره	قارغا «...»
«... دورور»	واش	- قارداش
- قاشق	قوچ - قوزي »	يولداش
چنگال	قوربانليق»	قول - قره باش
- قاشق	قالين - قاتي	قاش - كيپريك
بشقاب	«غليظ»	قات - قاريشيق
قاب - قاشق	قين - قاپاق	قوچاق - قوخماز
- قوردا	« غلاف »	قيريش - قوروش
قورد)	قايناق -	(چين خورده)
دئينماق (	دانلاق	قيريش - بوزوش
- قوري	قيريلديخ -	قاريشيق -
قوروسونا	باتديخ - گئت	دولاشيق
- قورتوم	ديخ	قاريشيق -
قورتوم	قيراخ -	بوروشوق
قودي - قودي	بوجاخ	

قىسقانان -	قاتلاشان -	قارىشىق
چكىلن	دايانان	بولاشىق
قىرىق - قوروق	قاپان -	قوللى -
قويونلار كسىلدى	قاپىش	ياپراخلى
- قوزولار	قىرران -	قوللى -
دوغراندى	يارا	بوداخلى
قايىر قايىر -	قوببا - قالاق	قالباق -
قايىنايىر	.	قانشار
قاودى - قاشدى	قايىش -	قاراواشلى -
قاشدى -	قورشاقتاق	قوللوقچى
داغىلدى	قىلىش -	قول - قىچ
قورد اوغلى -	قددره	قويون -
قورد	قالخىق -	قولتوق
قات قات -	قابارىق	قايماق -
قاتلادى	قىتلىق -	قايساق
قوچاق اوغلى	قوراقلىق	قارىن -
قوچاق	قورخى -	بوغارسىق
قىرىب -	اوركى	قارىن
قورتاردى	قورتارار -	قورساق
قىردى - قاشدى	قورتارماز	

قايالاردان -	هيجراننان -	قىريب -
داغلاردان	غمدن)	داغيتدي
قىزارام سولطاني	قورتاردىم (	قىردى -
،خاني !	قوس -	تۈكدي
قاني آخا آخا	قوجامان	قلنج الدە -
قايدان - قايا	قاپار - تە	قالخان
يا	پر	بئلدە
قحبە - گۇ ...	آپار - تە پر	قول - قول
حرف - ك	قارانلىقدان	گل گنداخ
كار - كور	- قارانلىغا	ياتاق
كار - كاسىب	قالخار -	اوتاقدا
كور - كچل	قالخماز	قوجالىب
كوس قوجا	قيس - قيس)	الدىن دوشموش
كوفتە - شوربا	گۈلدي (	قوجا قلاشديلار
كاسا - كوزە	قيصصە دن -	- اۋپوشدولر
كالا - كئە) سست	حيصصە دن آلدي	قوشونلار
و گىچ)	قاباغي نە ايدي	تالاين -
كاغاز - قلم	ايندىسي نە !	توپلو
كاغاز - مداد	قاباغي نە دا	داغيدان
	گۈردوق داليندا	

كاسىپ -	كل - جامىش	كىم - كىمو
كوسوپ	كه له وه - كو	كامال - معرفت
كال - كول	له وه «ویرانه	كارد - چنگال
كت - كسك (	«	كربلايى - مشدى
كند (...)	كلله - پاچا	كدو - گونه باخان
كت - كئوشن	كلله - دابان (	كرمه - ياپبا
كت - شه هر	نسنجیده گفتن (	كسمه - قره باغى
كتلى - کوتلى	كلله - كللىه	كركى - چه كوش «
يا	«...وورور»	چكش «
«كتدى-	كلله - ماغاللاخ	كؤسه - گلىن
كوتدى» يا	«...آشير»	«...چىخارماق «
كتدى - متدى	كم - كسىر	(نوعى بازى است
كسىر - بىچىر	كؤر - كؤمور	(
يا	كوچه - پاچا	كوتان - كه سسك
«كسدى -	كؤر - كؤهنه	كؤتن - كسكى «
بىچدى	كوت - كوه	«...دى « مقاوم
كسىر -	كؤهنه - مؤهنه	كىم - كىمه
دوغرور	كولل - كوفان	«...دى !»
كفه - قه یش	كول باش - كول	كىم ووردى - كىم
ه «...چكىدى»	گؤز	توتدى

كە لمە - كۇتور	كوچە - باجا	كىم ووردي -
كچل - ياراماز	كئرمە - تئزك	كىم اۇلدي
! «آي ...»	كۈلە - نۇكر	كىم يئدي -
	كول - كۇمور	كىم قالدي
حرف - گ	كوفتە -	كىم قاشدي -
گيردە - گومبول	شوربا	كىم قالدي
گيزلي- باتقي	كە سيلي -	كىم - كيمو (
گيز- گيزو)	جئزيلي	(شگاک)
زرنگ)	كسير - بيچير	كيرري - كيپ
گيژ - بيژ)	«اۈزي ...»	(محكم)
زرنگ (	كۇپ - كاسا	كۇشدي
گۈز - قولاق	كۇپە - كولوز	بالابان -
گئج - گوژ	كورا - فھيم	مني يارادان
گئژ وورار -	كورا - بئيين	» نوعى
گوژ وورار«الله	كورا- مال	بازي«
...»	كور - كوراسي	كيليد - كولا
گندر - گلمز	كول - كۇتوك	كۇك لي -
گئن - گئنيش	كُل - كُس	بوداقلي
گونە - گون »	كە لە -	كۇك لي -
	كۇتور	ديبلي

گوللى	-	گۇر - گۇتور	... اولسون
گوواھلى		(دنیا ...	كى...»
گىردە - شىرىن		(دى	گون -
گاھ بە - گاھ		گتير - گۇتور	گوزران
گدە - گودە		گۇز - قولاغ	گونى - گونە
گىن - گىنىش		اولماق	«...ساتماق»
گىلى - گىدر »		گۇزدن ايراخ	گئىم -
زود گذر «		- گونولدن	كنجىم)
گۇروب -		قىراخ	(آرايش)
گۇتورموش		گۇزى -	گئىنمە -
گۇتون گۇدە نە		كۆيلى	كنجىنمە
يىن		«...توخ»	قارىن -
«...چىخاردى»			گۇبك
گوناھىندان -		گور - كفن	گور گور -
تقىرىندىن		گۇرر - گۇرمز	گورولداماق
«الله ... گىچسىن		گور با گور	گوجىننە -
«		گۇز - قاش	گوجىننە
گۇروب - گۇرە		گۇي - گۇيە	گۇرمە مىش
جاغى «...بودى»		رنتى	اوغلى -
گۇروش - گۇركم			گۇرمە مىش

شیریملاری آشدي	گۈرە ن	گۈرۈش
	گۈزلى ين	اۋپوش
گۈرۈشدي ،	گۈرۈجو	گيرداش
اۋپوشدي ،	گۈزلە ييجي	سۇزداش »
سوروشدي	گۈز گۈزو	« دمساز
گۈزۈم گۈيچك	گۈرمۈر	گيزلين
قاشيم ھلال	گنجە	باتقين
گۈزل - گۈيچك	گوندوز	گيزلى
گون گنچيرمە	گۈتۈر - قاچ	باتقى
عۈمۈر سورمە	گلدیم ھا	گيزلي
گزدیلر	گلدیم	اۋرتولو
دولاندىلار	گۈرمز	گۈي - گۈيە
گۈز گۈزي	بيلمز	رنتي
گۈرمز	گۈرمز يئره	گۈزو دار
گلە نىي - گۈرە	بولمز يئره	اورگي زئغلي
نىي (عادت)	گۈزي گۈيچك	گنزمە
گلە نك گۈرە	قاشي قلم	دولانما
نك = رسوم	گنچيريملاري	گلين
گي ير - گنيمز	گنچدي	كورە كن

كسر - تۆكر	كىمسىز -	لئغ - لۇھمە =)
كئفلري كۆك!	كىمسە سىز	زىر - زىمىرىخ -
داماخلاري		گل و لای گرافته (
چاغ		لىنگ - لىنگى »
كاروانلار	حرف - ل	نوعى بازي ؟»
سويور -	لات - لوت «...»	لىله - پالچغا
قفلە لر	يا امام حسين»	«...باتدى
تالىير	لام - كالام	
كسدى -	لوت - عريان	
بىشىدى،	لوت - چىلپاق	حرف - م
قىردى -	لالام - كارام	مال - داوار
تۆكىدى	لال - كار	مال - ثروت
قىردى -	لام - كام)	مال - حيوان
داغيت دى	دىنمىدى (	مال - دولت
كسىم يوللار	له له - گىريان	مالىندان -
ووردوم -	(گلىدى)	جانىندان
كاروان	لپە - نخود	مال دان - باشدان
كوراوغلى	لعل - جواهير	مال - مولك
اگىلمز ياغى	لاي به - لاي	مولك - ماش
يا يادا		

مال - مول)	من بئله گۆزل -	مین ده بیر -
(حیوانات	من بئله گۆچئک	میلیون دا بیر
- مالی	»...منی ده	ماللا - سه یید
پولی	سویاگؤندرلر؟! -	مینووقا
- ماملی	« (حئکایه)	مینووقا « بارامی
ماتان	مانتو - شالوار	- مراغه «
»...اوغلان «	محرم - صفر	ماتی میخاناسی)
- میتککه	مختصر - مفید	(دییل
بالیش	منه نه وار -	ماللا دان - مینبر
- مدرسه	سنه نه وار !	دن
معلیم	مؤهور - تسبیح	ماحال - مومکون
مرد - مردانه	میس- میسان «	ماتدیم ماتدیم
مچید - منبر	ظروف مسی»	«مات شدن «
مککه - مدینه	مئر- مئر	مست - ملنگ «
- موفت	»...ائیله مک»	فارسی»
مجبانی	مئغ مئغ -	مؤمن - موسلمان
من - سن یا	میلچک	مفلیس - فی امان
منلی - سنلی	مین بیر - ایکی	الله
- موفت	»...اویون»	مدرسه - مکتب
موسلم		

نغیل - نوغول	نان - نوایه	مرد - مردانا
نابلد - ناطرز	» ...یئتیرمک	(میدان دا
نالا - میخا	«	(...)
»...ووران	نه دیندیم -	
نم - نشان	نه دانیشدیم	حرف - ن
نظم - نظام	نه اولور -	ناز - نازی
نا طراز - نا	اولسون	ناز - غمزه
کۆندم	نه باغ بولدی	نازلی -
نئیلیم - نئجه	- نه ده	دوزلی
ائیلیم	باغبان	نارین نغیش
نوکر - نه ییب	نه دیندیم -	نازنین -
نؤکر - نهیب	نه دانیشدیم	صنم »
ننه - باجیسی	ناماز -	...بیر قیز
«قح...»	نیياز	«
قرقیش - نالیش	نازیک -	نازلی - صنم
ناله - نفرین	نارینجی	ناهار - شام
حرف- و	نوه - نتیجه	نئلیم -
وار - دوولت	نتیجه -	نئجه ائلیم
وار - کار	کۆتوجه	» ...دئمییه
وارلی - کارلی		سن - دعا «

هاي - هوي)	وور ها - وور	والله بالله -
سالى (	وقت - بئوقت	سيمه والله
هاي - هاراي	وزير - وكيل	واخت - وعده
ها گلین- ها)	وورما -	وقت سیز -
استمداد (	توتما	وعده سیز
هاراي - کوو	ووروش -	وورهايین -
هرلینی -	دؤیوش	وورور
هرسیزی	وئز - وئزیا	«اونون...»
هئر تئر)	وئززا - وئز	واختی وار -
قانمیر (	ویزر - وبال	زمانی وار
هارادان گلیب -	وور پاتلا سین	وقتی -
هارا گئدیرسن ؟	- چال	وقتینه
هاي دینده	چاتلا سین	«...گل»
هایلاریم - هوي	وای - حییف	وقت گلر -
دینده هویلاریم	حییف	وعده گلر یا
وار .	»	وقت گلر -
هابئلہ - ها	...ائشیدنلرد	دوران گلر
هاوور - هککه	ئدی ...»	ولوله -
یا	حرف - ه	زلزلہ
		وور - توت

هاورلي -	هوش - باش	حمله - هوجوم
هككه لي	هوش سوز -	هرج - مرج
هاي - كوي	باش سيز	هله كي - هله
دار - دودوك	هوشلي -	دى
هايل -	باشلي	هشن - خه ين)
مايل	هوشلى -	خه ين - هشم)
«سرگردان»	هاوالى	هونر هونر-)
هرج - مرج	هئچ - پوچ	اوچون) پهلوان
هس - هوس	هئچه پوچا »	بازى
«...قانماق»	چيخدي »	هوه - به هوه
هفك - توفك	هئچ - هئچي	(جزء به جزء)
(هئچ)	نه	هدي - هودي
هله - هولـه	هاتاران -	هدي دي - هودي
«آت -	پاتاران	دي
آشقال»	هدرن - پدرن	هوس دي - بس
هله م قلم	(هاتاران -	دي «اگر...»
(دانيشير)	پاتاران (	هول هولي مصّب
هنده هونده	هؤنكور -	هئپير - چوپور
(دانيشير)	هؤنكور	هاي - هاي دي
	«...آغلادي»	«...بونلار»

هیرس - هاوا	هاچان نان	یا الله - یا محمد
- هنده	- هاچانا	یاد - بیگانه
هونده	«...قالدي»	یار - یولداش
هر - هر»	- هسده نه	یار و یولداش
...	کؤسده نه	- یاراشیخلی
هیریلدیر»	«...دانیشیر»	دوروشوخ لی
هررا - هرر	- هوشدوروم	یارا - خورا
(گولور)	هوشته !	=زخمی و چرکی (
- هاردان		- یارالی
هاری	حرف - ی	خورالی
- های هاوار	یا نصیب - یا	یاسسی - یاپالاخ
های داد	قسمت	یاسسی - یاسسی
- های داد	یا حق -	«دانیشماق»
های بیداد	حقیقت !	یاغ - بال
- سن هارا	یا بخت - یا	یالان - پالان
بورا هارا	اقبال	یازما - اوخوما
!؟	یا شانس - یا	یازما - جیزما
ها ها ها !	اقبال	(نوشتار)
(خنده)	یا علی - یا	یازی - پوزی
	مدد	یالوار - یاخال

ياوان - ياشيل	يئر - يورد	يئرئىق -
ياتدى - باتدى	يئرلى -	ياماق
،قالدى	ياتاق لى	يان - يئروە
يازىپ -	يئددى -	يان - بۇر
يارادان	سگگىز	«؟»
يارالى -	يوك - ياپ	يۇن - يە وُر
پارالى	يىغىملى -	«اطراف»
يارالى -	دئرىملى	يان - يانا
خورالى	ياندىرير -	يان - يئروە
قويون - قوزى	ياخير	ياندىرىب -
ياپا - يالنىز	ياندىرير -	ياخماق
يئتىم - ئىسىر	قاندىرير	يورغون -
يئمك - ايچمك	يانير -	آرغىن
يئددى اقليم -	ياخىلىر	يورد - يوا
دۇرت بىجاق	يئر - ياتاق	يورقان -
	يئىپ -	دۇشك
يوروم - يوزلو ،	ياتماق	يالى -
آلايىن - شالاىىن	يئرلى -	ياراخلى
ساپ - سادە	دىبلى	يئرلى -
هنگ لى - هاوالى	ياي بن - قىش	يورتلى

بارلي - برکت لي	تير- توش	ياپا - يالقيز
دواملي - دوروشلي	چؤل - چاپيق	يانشاق -
يانچي - يارديمچي	كؤر- كؤوشن	يالتاق
جئزمه - قره (نوشتہ)		
يؤروش	-	قاچيش
ياريخ - جيريخ		
ياي - ياز		
يئترليک	-	گؤررليک
يئرلي - يورتلي		
يازيق	-	يالقيز
يازي - پوزي		
يانچي	-	يارديمچي
يامان - يوغوز		
ييرتيق - ياريق		
ييرتيق	-	ياماق
يئمک - ايشمک		
ياراشيqli	-	دوروشوقلي
يورقان - ياتاق		

ياشلى - باشلى

يازىق - يوخسول

يئمك - ايچمك

ياراماز - ياراشماز

ياتىق - اويوق

يان - ياخين

يول سوز - اينام سيز

يارارلى - چىخارلى

يئديم - دويدوم

يئدىلر ايشدىلر - مرد مرادينا يئتيش دىلر ...

يىلقىندى - يورقوندى (؟)

يان - يانا (کنار هم)

اللى لىر - يوز لىر (قَدَر)

ياشىم گئچىب - قوجالميشام

يار يار دىير - دىلبر دىير

يئدىك ، ايشدىگىن سنىن - گوردوغونن بىزه دئه

يال لارى - ياماجلارى گئچدى

يولون يئگىن - سئو دان ايتى (اولسون)

بخش دوم - متشابهات

این کلمات فقط در نوشتار به خط عربی دارای شکل ظاهری یکسان هستند و به یک شکل نوشته می شوند ولی تلفظ این کلمات باهمدیگر متفاوت است. از نظر نوشتاری خط عربی برای نوشتن کلمات ترکی کم می آورد. در صورت لزوم باید از خط لاتین (مخصوصاً الفبای جمهوری آذربایجان) استفاده شود.

مثال:

اوزوم : انگور----اسم جامد است

اوزوم : صورتم----مشتق - اوز (صورت)+وم

اوزوم : شنا کنم----مشتق از مصدر اوزماق

اوزوم : پاره کنم - قطع کنم

اؤزوم : خودم

نکته : علت اصلی نرم شدن برخی کلمات خشن طی گذشت سالیان متمادی است که این پروسه فرسایش در هر زبانی وجود دارد. و علت اشتباه گرفتن برخی کلمات متشابه در بین همزبانان "عدم آشنایی با اتیمولوژی و ریشه اصلی کلمات" می باشد که این مسئله نیز از عدم آموزش آن نشأت می گیرد.

مثال تورکی: بیلینگی < بیلگی < بیلی

مثال فارسی: پارسیک < پارسی < فارسی

اوزوم : انگور

اوزوم : پاره كنم

اوزوم : صورتم

اوزوم : شنا كنم

اؤزوم " خودم

.....

گؤى : آبى

گؤى : سبزی

گؤى : آسمان

...

كؤك : ریشه

كؤك : وصله

كؤك : چاق

...

مثال های دیگر :

آلما : سیب

آلما : نگیر

آلما : نخر

...

آجى : درد

آجى : تلخ

...

آت : بیانداز

آت : اسب

...

سایماق : شمردن	گول : گل
سایماق : اعتنا کردن	گول : بخند
...	...
گۆزله مه ك : منتظر شدن	ان : لاپ
گۆزله مه ك : رعایت کردن	ان : عرض ، پهنا
...	ان : پیاده شو
یاش : سن	ان : مدفوع
یاش : خیس	...
...	دون : یخ زده
باش : سر (عضو بدن)	دون : لباس زنانه با دامن
...	...
باش : یوخاری - بالا	دوز : راست
...	دوز : بچین - ردیف کن
قیرخیم : خرده ریزه های پشم	...
قیرخیم : بتراشم	ساغ : راست
قیرخیم : نوعی قیچی	ساغ : بدوش (گاو را)
...	ساغ : سالم
قازان : دیگ	...

...	قازان : کَننده مثل کلنگ
اوجاق : وسیله خوراک پزی	قازان : کسب کن ...
اوجاق : خانه آبا و اجدادی	قازماق : کندن قازماق : ته دیگ ...
اوجاق : عبادتگاه و جای مقدسی که در آنجا نذر می کنند و هدیائی به آنجا می برند .	قاباق : کدو تنبل قاباق : جلو ...
....	قویماق : گذاشتن قویماق : اجازه دادن قویماق : صبر کردن ...
باتماق : آغشته شدن باتماق : فرو رفتن	اوجماق : پریدن اوجماق : فرو ریختن ...
اوجورتماق : پرانیدن اوجورتماق : خراب کردن (خانه - دیوار و ..)	قاتماق : مخلوط کردن قاتماق : پینه (دست - پا و ..)

اوچورتماق : دروغ
بزرگ گفتن

...

اویماق : خوابیدن

اویماق : شبیه شدن ،
به .. آمدن

اویماق : باور کردن

...

اویناماق : بازی
کردن

اویناماق : رقصیدن

اویناماق : از کوره
به در رفتن

...

قیل : موی زاید

قیل : انجام بده

...

قیرخ : بتراش

قیرخ : چهل

...

سایماق : شمردن

سایماق : اعتنا کردن

...

قازماق : کندن

قازماق : ته دیگ

.....

اوچوق : تب خال

اوچوق : فروریخته

...

اودماق : برنده شدن

اودماق : قورت دادن

...

باشلیق : کلاه

باشلیق : شیربها

باشلیق : سرانه

آش: رد شو -عبور کن

آش: غذای آش

.....

.....

اوو: شکار - صید
غنمیت OV

اوو: ماساژ بده -
بساب OV

.....
.....

اوت ot: علف

-اوت ot: عبور کن، جلو
بزن، سبقت بگیر

سال: اپل (فارسی)

سال: قایق

سال: تخته سنگ یک
پارچه

سال: سنگ قبر

سال: بیانداز (به
یاد)

سال: بگذار

سال: سرنگون کن

سال: از پا بیانداز

سال: پهن کن (سفره
را)

سوروش: بپرس از
مصدر سوروشماق

سوروش: سُرْخور -

بلغز - بخز از مصدر

سوروشمک لغزیدن - سر

خوردن خزیدن

.....
.....
.....

سيز: شما

سيز: بریز (آب)

....

سیخ: ضخیم انبوه
پرپشت تنگا

سیخ: فشار بده بفشر

.....
.....
.....

چاپ: چاپ

چاپ: غارت کن

چال: سفید خاکستری

چال: بزن

چال: پر زدن ،

چال: بزن (پلک)

چال (دست زدن)

چال: بنواز

چال: نیش بزن

چال: بدزد

ساچ: مو، زلف

ساچ: پخش کن منتشر
کن

سار: پرنده سار

سار: بپیچان

گز: شیرینی (گز)

گز: گردش کن = سیاحت
کن

چاپ: چپاول کن

چاپ: بتاز چهار نعل
برو

چاپ: بشکاف

چاپ: بشکن

چات: شکاف ترک

چات: برس = فعل امر

چات: متصل کن

چات: بار کن (فعل
امر)

چات: کوک بزن (پارچه
را)

چاش: کج

چاش: لوچ ، چپ چشم

چاش: منحرف شو

چاش: اشتباه کن

چاش: دستپاچه شو

.....	بوز: (لباس را کمی
.....	چین بده تا کوتاه
	شود)
گوزل: قشنگ ، زیبا	
گوزله: منتظر باش-	
چشم براه باش	
...	قات: لایه-طبقه-دفعه -
بوغ : بخار	قات : (یئر قاتی+لایه
بوغ : سبیل	زمین)-
بوغ: خفه کن-	قات-قات : (لایه لایه)
بوغ : بکش	قات: قاتی کن- مخلوط
بوغ : ببند = مسدود	کن
کن	
بوغ : سرکوب کن	
-----	قاپ : در-دروازه
---	قاپ : گاز بگیر
بوز : خاکستری -	قاپ: نیش بزن
بوز: زمین بدون	-----
گیاه و لخت	-----
بوز -قرقاوول ماده -	قالا:قلعه دژ
بوز : بی شرم	قالا: انباشته
بوز -یخ	کن-آتش
	درست کن
	قالا : بماند

قیل : موی زاید

قیل : انجام بده

...

قیرخ : بتراش

قیرخ : چهل

.....
.....

قیز: دختر

قیز: گرم شو

قیز : عصبانی شو

قیز : قیزماق =
تحریک شدن

...

دولو : پر

دولو : تگرگ

....

باتماق : آغشته شدن

باتماق : فرو رفتن

....

اوچماق : پریدن

.....
.....

قاخ : برگه میوه -
خشکبار (اریک قاخی
=برگه زردآلو)

قاخ = قالخ = پاشو !

--

قاریش: وجب

قاریش: مخلوط شو-
ترکیب شو-

قاریش : خراب شو

قان: خون

قان: بفهم ، درک کن
، شیرفهم شو

--

قور: آتشپاره جرقه
اخگر

قور: بیافرین- ایجاد
کن -بساز- بنا کن

.....
.....

قورو: خشک شو

اوچماق : فرو ر ختن

...

یول: راه -طریق

اوچوق : تب خال

یول : جهت سو مجرا

اوچوق : فروریخته

یول : دفعه بار

...

یول: بکن -بچین

اویماق : خوابیدن

اویماق : شبیه شدن ،
به .. آمدن

-

یوز : صد

اویماق : باور کردن

یوز: تعبیرکن

...

.....

اودماق : برنده شدن

.....

اودماق : قورت دادن

یای : تابستان

...

یای : زه کمان فنر

باشلیق : کلاه

یای: منتشرکن پخش کن

باشلیق : شیربها

باشلیق : سرانه

یالان: دروغ-بهتان

یالان: لیسیده شو-

- قورو: خشک

یالانماق=لیسیده شدن،

- قورو:محافظت کن

خورده شدن

ساری : زرد

ساری: بیچان (به دور)

ساری = به طرف



ساغ : راست

ساغ : بدوش

ساغ : سالم



سایماق : شمردن

سایماق : اعتنا کردن



سيز: شما

سيز: بریز(آب) - چکه کن



سیخ : ضخیم ، انبوه ، پرپشت،

سیخ = سیخینتی - تنگا

سیخ: فشار بده،



بخش سوم

واژه های متضاد

آپوزیت (opposite)

اضداد یا (انتونیم ها) : کلماتیکه دارای معنی ومفهوم
متضاد با یگدیگر هستند . و یا کلمات متضاد به کلماتی گفته
می شود که هم در نوشتار مختلف بوده و هم در معنی ضد هم
می باشند . و یا سیاه و سفید در بیت زیر :

کرده ام موی سیه در ره عشق تو سپید
بالای سیه رنگی هست

و یا آغ - قارا در این شعر که ترجمه بیت بالاست :
سنین عشقینده قارا زولفومی من ، ائیلدیم آغ
دئمه سینلرکی قارادن یوخاری رنگ اولماز

و یا عبارت جنت - جهنم در این شعر شهریار:

«من جهنمده ده باش یاسدیغا قویسام سنيله
هیچ آیلمام
کی دوروب جنت مأوایه گلیم»

ويا گل - گئت در اين شعر:

اي شوخ منه رحم ائله گل جانيمي آل ،گئت
گؤزلريم اوستونده مكان ائت گئجه قال گئت

حرف الف

آج#توخ=(گرسنه#سير)

آجی#شيرين=(تلخ#شيرين)

آچماق#باغلاماق=(بازکردن#بستن)

آچيق#باغلی=(باز#بسته)

آرتيق#اسگيك=(زياد#کم)

آريق#كؤك=(لاغر#چاق)

آشاغی#يوخاری (پايين#بالا) توی-ياس

آنلايان#آنلاميان (فهميده#نفهم)

آچماق - باغلاماق = باز کردن - اورا - بورا = (آنجا -

- بستن اينجا)

آريق - كؤك = لاغر - چاق آچماق - باغلاماق = باز

آغير - يونگول = سنگين - کردن - بستن

آق - قارا = سفيد - سياه

سبک	آچیق ≠ باغلی = (باز ≠ بسته)
اولو - دیری = مرده - زنده	(
آلچاق - اوجا = کوتاه -	آرتیق ≠ اسگیک = (زیاد ≠ کم)
بلند	آغیر ≠ یونگول = (سنگین ≠
ایتیرمه ک - تاپماق = گم	سبک)
کردن - پیدا کردن	آلچاق ≠ اوجا = (کوتاه ≠
ال آچیق - قیتمیر = دست و	بلند)
دل باز - خسیس	آنلایان ≠ آنلاماز = (فهمیده ≠
اوزون - قیسا = دراز -	نفهم)
کوتاه	ایتگین ≠ تاپیلمیش = (گم
ایستی - سویوق = گرم - سرد	شده ≠ پیدا شده)
ایتی - کوت = تیز - کند	ایتمه ک ≠ تاپیلماق = (گم
آز - چوخ = کم - زیاد	شدن ≠ گم کردن)
آج - توخ = گرسنه - سیر	ایتیرمه ک ≠ تاپماق = (گم
	کردن ≠ پیدا کردن)
آپارماق ≠ گه تیرمه ک = (	ایشیق ≠ قارانلیق = (روشن ≠
بردن ≠ آوردن)	تاریک)
آجی ≠ شیرین = (تلخ ≠ شیرین	اوجوز ≠ باها = (ارزان ≠
(	گران)

اوزون ≠ قيسسا (دراز ≠ آپارماق گه تيرمه ك =)
كوتاه (بردن ≠ آوردن)

اؤلوه ديري (مرده ≠ زنده
اوزلو - اوزسوز
ال آچيق ≠ قيتмир (دست و
دل باز ≠ خسيس)

ايتمه ك ≠ تاپيلماق (گم
شدن ≠ گم كردن)
اوز - آستار
او لار - اولماز

ايتيرمه ك ≠ تاپماق (گم
كردن ≠ پيدا كردن)
آل اوزون - گودوك
اوزون - قيسا

اؤنجه سي - ايندي سي
آج ... توخ

آچاق ... اوجا
آجى ... شيرين

آنلايان ... آنلاميان
آچيق .. باغلى

ايتگين ... تاپيلميش
آريق ... كؤك

ايتمه ك ... تاپيلماق
آز ... چوخ

ايتيرمه ك ... تاپماق
آشاغى ... يوخارى

ايتى ... كوت
آغ ... قارا

ايستى ... سويوق
آغير ... يونگول

ايشيق ... قارانليق
اول - آخير

اوزانماق - قيساتماق

اوجوز ... باها

انىش - يوققوش

اوزون ... قيسسا

اورا - بورا = آنجا - اينجا

اؤلوم - ديريم

اورا سنین - بورا منیم

اۆلدوم - ديريلديم

اوردا - بوردا

ايركك - ديشي

اورا - بورا

آل - وئر

اۆلي - ديرى

آغير - يونگول

اۆلن - قالان

آلتدان - اوسدن

آغلار - گولر

اىدرمى - ائتمزمى ؟

آغير - يونگول

اوجوزلى - باهالى

اۆلمه - ديريل

اۆلومده - ياشامدا

آغلياندا گوله نده

آتلى - اوسلى

اۆلن - قالان

آلت - اوست

آلچاغ - اوجا

اۆده ييش - قايتاريش

آپار - گئتير (اضداد)

اول شام - آخير شام

آغينا - قره سينه

اوزلى - اوز سوز

«...باخماز»

اىندي - قالخدي

آلقى - ساتقى

اۆلوم - ديريم

آليم - ساتيم

آتلى - اوستلى يا

ايري - خیرده

آتیش - باریش

پیس ≠ یاخجی = (بد ≠ خوب)

تؤکمه ک ≠ ییغماق = (ریختن ≠
جمع کردن)

تون باشلی - باش سیز

تونلوک ≠ سایخاش = (پرجمعیت ≠
کم جمعیت)

ب - پ - ت - ث

توی ≠ یاس (عروسی ≠ عزا)

توکمه ک ≠ ییغماق (ریختن ≠
جمع کردن)

توکمه ک ≠ ییغماق (ریختن ≠
جمع کردن)

بورا ≠ اورا (اینجا ≠ آنجا)

تزه - کهنه

بولن - بولموین

بورا ... اورا

باشلی - دیبلی

بوش ... دولو

پی آغلار - گولر

توتار توتماز

پیس ... یاخجی

پیشیم - پیشیم نن

«...گئتیردیم»

تؤکمه ک ییغماق

بولر - بولمز

پیس - یاخجی = (بد - خوب

باهالی - اوجوزلی

)

برکه - بوشا «...دوشوب»

تونلوک ... سایخاش

ترس - اوواند

تورش - شیرین

توی ... یاس

توی ≠ یاس = (عروسی ≠ عزا)

بوش ≠ دولو = (خالی ≠ پر)

س# یاخجی (بد# خوب)

مشریق - مغرب

بوگون - صاباح

نجیب - نا نجیب

نولا - نولمییا

ج-چ-ح-خ

د-ذ-ز-ر-

چی# پیشمیش (خام # پخته)

دادلی# دادسیز (بامزه# بی

مزه)

چار - ناچار

چوخذان - آزدان

دایاز# ده رین (کم عمق# عمیق

(

چپ - راست

حالی - حالسیز

دوشر - دوشمز

حیات - ممات (عربجه)

دئیر - دئیمز «...ینه

وئردی»

چکی ده آغیر - قیمت ده

یونگول

دره دن - تپه دن

دالی - قاباق

ل-م-ن

دایاز - ده رین = (کم عمق -

نولدی - نولمادی «...بولمه

عمیق)

دیم!»

دوروپ - اوتورماق

نه وار - نه یوخ ؟

ده لی ...عاغیللی

نقد - نسیه

دادلى ≠ دادسىز = (بامزه ≠ بى

مزه)

س-س-

سحر = آخشام

ده لى ≠ عاغيللى = (ديوانه ≠

عاقل)

ساز - ناساز

شمال - جنوب

سلامت - ناخوش

سنلى ده - سن سىز ده !

ع-غ-ف-ق

سنة نه - منه نه

قوجا ≠ جاوان (پير ≠ جوان)

ساغ - سول

قوزئى - گونئى

سن - من «...يوخدي»

قىز - اوغلان

سووال - جواب

عاشق - معشوق

ساقدوش - سولدوش

قانان - قانميان

ساغ - سول

قانار - قانماز

سولى - سوسوز

قديم - جديد

سىزلى - بىزلى

قانار - قانماز

ساغدان - سولدان

قالان - قالميان

سن اوياننان من بو ياننان

قووتلى - قووت سىز

قاباغين دا گوردوق داليندا

قوجا ≠ جاوان = (پير ≠ جوان)

گلمه ك ≠ گئتمه ك = (آمدن ≠
رفتن)

ك-گ

گول دورمه ك ≠ آغلاماق = (خنداندىن ≠ گرياندىن)

گونوز ≠ گئجه (روز ≠ شب)

گولمه ك ≠ آغلاماق (خنديدن ≠

گيزلى ≠ آيدىن = (پنهان ≠ آشكار
گئىن - دار

گريه كردن)

گول دورمه ك ≠ آغلاماق (خنداندىن ≠ گرياندىن)

كيچىك - بؤيوك «...تانيماز»
گير - چئخ

گئجه ≠ گونوز (شب ≠ روز

گئجه - گوندوز

كوسمه ك ... باريشماق

كؤلگه - گونش

گلر - گلمز

گلن - گلمى ين

گيريش - چيخيش

گئديش - گليش

كس

گؤرر - گورمز

گؤردوم - گؤرمه ديم

گئدر - گئت مز

گلن - گئدىن

گل - گئت

گلر - گلمز

گئدر - گئتمز

گه تير ≠ آپار (بيار ≠ ببر)

كوسمه ك ≠ باريشماق (فهر

كردن ≠ آشتى كردن) گه تير≠

گؤتور (بيار≠ ببر)

گه ن≠ دار (گشاد≠ تنگ)

گؤزه ل≠ چيركين (زيبا≠ زشت)

گولدورمه ك ... آغلاتماق

گنج ... تئز

گنجه ... گونوز

كئفلى - كئف سيز

كوس - باريش

گونوز ... گنجه

و-ه-ى

ياخين - اوزاق

ياشلى- ياش سيز

ياتيب - دورماق

ياش - قورو تر - خشك

گولمه ك ... آغلاماق

گولدورمه ك ... آغلاتماق

گنج ... تئز

گه تير ... آپار

گلمه ك ... گنتمه ك

گؤزه ل ... چيركين

گونوز ... گنجه

گولمه ك ... آغلاماق

نديرماق≠ سؤندورمه ك (آتش

زدن≠ خاموش كردن)

وار ... يوخ

وارلى ... كاسيب

يايلاق ... قيشلاق

ياى ... قيش

يانديرماق ≠ سۇندورمه ك (آتش

يانديرماق ... سۇندورمه ك

زدن ≠ خاموش كردن)

يوخارى ... آشاغى

يوخارى ≠ آشاغى (بالا ≠ پايين

(

يوخارى چىخماق ... آشاغى

يوخارى چىخماق ≠ آشاغى يئنمه

يئنمه ك

ك (بالا رفتن ≠ پايين آمدن)

يه گين ... ياواش

يئيين ≠ ياواش (تند ≠ آهسته

(

يئكه - خيردا = (بزرگ -

كوچك)

هن - يوخ يا » هه - يوخ

ياخيندان - اوزاقدان

«

وارلي - وارسيز

يئر لر- گۆي لر

ياى ≠ قيش (تابستان ≠ زمستان

(

ياري چيى - ياري پيشلاق

يوخارى چىخماق ≠ آشاغى يئنمه

ياش ≠ قورو (تر ≠ خشك)

ك (بالا رفتن ≠ پايين آمدن)

ياغلى ≠ ياوان (چرب ≠ بدون

يئريماق - دورماق

چربى)

نه وار - نه يوخ ؟

«احوالپرسی»

یایلاق ≠ قیشلاق (گرمسیر ≠

سردسیر)

وار - یوخ = هست - نیست

وارلی - کاسیب = ثروتمند -

فقیر

وارلی ≠ کاسیب (دارا ≠ ندار)

یازماق ≠ پوزماق (نوشتن ≠ پاک

کردن)

یاش ≠ قورو (تر ≠ خشک)

یاغلی ≠ یاوان (چرب ≠ بدون

چربی)

یاوان = (باچرب - - یاغلی

بدون چربی)

یاخچی - یامان

یئریش - دوروش

یئه گل - یئمه گل « در دعوت

«

یاخشی - یامان

یاغلی - یاوان

وار ... یوخ

وارلی ... کاسیب

یایلاق ... قیشلاق

یای ... قیش

یازماق ... پوزماق

یاش ... قورو

یاغلی ... یاوان

یاندیرماق ... سؤندورمه ک

یوخاری ... آشاغی

یوخاری چیخماق ... آشاغی

یئنمه ک

یئیین ... یاواش

یاندیرماق - سؤندورمه ک

(روشن کردن - خاموش کردن)

واژه های تکراری

کلماتی که با تکرار خود تداوم صفت یا فعلی را بیان می کنند

مثل : تئز تئز - قاچا قاچا - ایستی ایستی و... .

در واژه های تکراری دو کلمه شبیه همد .

مثال ها : آلاي - آلاي

آتیلا- آتیلا : جست و خیز کنان

البت - البت

هلبت هلبت آغیر آغیر

آتدیرا - آتدیرا آنلاماز آنلاماز

آنجاق - آنجاق ازیله - ازیله

آیری - آیری الجیم- الجیم » باندازه مشت

اؤلکه - اؤلکه «

اؤله - اؤله اوزاق - اوزاق

آووج آووج اوجا - اوجا

آلا - آلا ایکی - ایکی

وئره - وئره اوچ - اوچ

آچیق - آچیق اوستورا - اوستورا

آدیم _ آدیم الله - الله ! (تعجب)

اوردان اوریایا - اوردان آغلییا - آغلییا

اوریایا اوخویا - اوخویا

پارچا - پارچا	اوچونا - اوچونا «بي ميلي
پیتاخ- پیتاخ (گزدي) = (	«
شاخه به شاخه (	ائشيم - ائشيم
پره ن - پره ن «... داغيلدي	ائشیده - ائشیده
«	وورا - وورا
بیرر - بیرر	اییه - اییه
تای - تای	تۆکه - تۆکه
تاوانا - تاوانا	بئله - بئله «... آداملار «
بورولا - بورولا	بوللانا - بوللانا
بؤلوک - بؤلوک	بولمويه - بولمويه (دانیشدی
برک - برک (تاپشیردی)	(
تخ - تخ = تيق تيق	بوله - بوله (دئدی)
تاوانا - تاوانا	ایچه - ایچه
تؤوشویه - تؤوشویه	آسدا - آسدا (آسوده)
تزه - تزه	باسا - باسا «... گلدی «
تلیس- تلیس (بوغدا)	اویوم - اویوم
چووال - چووال (پول)	
تیترییه - تیترییه	بئش - بئش
خیرده - خیرده	بورولا - بورولا
جیریق - جیریق	
	پیریل - پیریل

جادار- جادار «چاک چاک»

مئتير - مئتير

چيليك - چيليك «قطعه»

حاشا - حاشا !

جووور - جووور «؟»

خيرده - خيرده

خيش - خيش (صدا)

چاخ - چاخ

خوش - خوش

چوروم - چوروم

چکينه - چکينه

حلله نه - حلله نه «...گلدی»

چيغيره - چيغيره

حييف - حييف

سؤكه - سؤكه

خئرچ - خئرچ

آز - آز

قئرچ - قئرچ

چوخ - چوخ

چات - چات

خئس - خئس

چيبان - چيبان

خيمير - خيمير

بيز - بيز

خوشان - خوشان

بالا بالا (يواش)

خلور - خلور «خروار»

بوش - بوش

بسته - بسته

دوزوم - دوزوم (دسته)

خالوار - خالوار (300 كيلو

ياغا - ياغا

(

قريش - قريش

دارام - دارام

دئشیک - دئشیک	زئرين - زئرين «...آغلاماق»
دنه - دنه	زاغار - زاغار «تکبر»
دييه ديه - گوله گوله	زامان - زامان
خومار - خومار	زِيل - زِيل «...باخماق»
دؤنم - دؤنم	
دوغرام - دوغرام	سحر - سحر
دوشونه - دوشونه	
درجه - درجه	
دئدي - دئدي	زاغ - زاغ «...اسير» -
دؤيه - دؤيه	سالخم - سالخم
دسته - دسته	ساي - ساي
دولاي - دولاي	سوزدوره - سوزدوره
دئغ - دئغ : «وراج»	سوپوره - سوپوره
دن - دن	سيله - سيله
دولانا - اولانا	سيچه - سيچه
دؤنه - دؤنه	سارالا - سارالا
دورا - دورا «...گئدر»	سئچه - سئچه
ساللانا - ساللانا	سئوينه - سئوينه
	سه په - سه په
	بيله - بيله (آگاهي)

بولمويه - بولمويه

قات - قات (كسدى)

سكين - سكين (صلوات)

قوت - قوت (ايچدى)

صف - صف

قاباخ - قاباغا

سوزوله سوزوله

قاچا - قاچا

شان - شان (اولدى)

قاپي - قاپي

قاپا - قاپا

قاه - قاه «گولدي»

فيرله نه - فيرله نه

قيميشا - قيميشا « تبسم

فئس - فئس

كنان»

فلان - فلان «...شده»

قان - قان «...دئمك»

فيكير - فيكير

قيوريم - قيوريم (ساشلار)

فقط - فقط

قوم - قوم « كپه - كپه »

قاوا - قاوا

شاپير- شاپير (؟)

قات - قات

قطره - قطره

قاتار - قاتار

قورتوم - قورتوم - «...»

ايچدي «

نفس - نفس

قئرجه نه - قئرجه نه

كسه - كسه

قيرچه - قيرچه (قطعه)

كيريلدييه - كيريلدييه

قابارا - قابارا	كوم - كوم	كوم
قورخا - قورخا		
قانماز - قانماز		
گلە - گلە	كۆھنە - كۆھنە	كۆھنە
گئە - گئە		
كئفلى - كئفلى		
كيچىك - كيچىك	گئە - گئە	گئە
گئچە - گئچە (باخديم)	گزه - گزه	گزه
گولە - گولە	گۆرە - گۆرە	گۆرە
قوشا - قوشا	گۈزل - گۈزل	گۈزل
كسىلە - كسىلە «...قالدي»	لاي - لاي	لاي
گىلدير - گىلدير	زىققە نە - زىققە نە	زىققە نە
	اوسسورا - اوسسورا	اوسسورا
	لاپار - لاپار «لكە لكە»	لاپار
گۆرە - گۆرە	لام - لام «آهسته»	لام
باخا باخا	نازلانا - نازلانا «دورگل...»	نازلانا
گىلە - گىلە	«	«
كۆكە - كۆكە	نئجە - نئجە - !؟	نئجە
	نولود - نولود ؟!	نولود

هله	هلم - هلم	نئچه	نئچه
هله	-	هله	نه وار - نه وار «...کي»
		حاشا - حاشا	
		اويوم - اويوم	
(دی)	هرکي - هرکي	بیرم - بیر	
		پوفلویه پوفلویه	
		چی یین - چی یینه	
هئي	-	هئي	خوشان - خوشان
		موس- موس	«...دئیین جه
			«...»
واي	-	واي	منم - منم «...دئمک»
		کئفلی - کئفلی	(مست - مست
			(
(آغلادی)	هاي - هاي	نارین	نارین
ياواش - ياواش	ياوا - ياوا	مونجوق - مونجوق	
آستا - آستا		مئقال - مئقال	
ياخشي - ياخشي		يارالی يارالی	
يانا - يانا		يانا يانا (قالدي)	
		هاني - هاني !؟	

قیزارا - قیزارا قاچا - قاچا

دورا - دورا

یوخلییا - یوخلییا

اوتورا - اوتورا

یئرییه - یئرییه !

آخا - آخا

یئللنه - یئللنه «...گلدی»

دانیشا - دانیشا

یایلانا - یایلانا

دییه - دییه

سوزه - سوزه

قابار - قابار

یانی - یانی « نه باخیرسان

شاخه - شاخه

...»

یات - یات «...دی» = تنبل

قیمه - قیمه (؟)

قیمبه - قیمبه « توده چیزی

کهنه شهر «

یازیق - یازیق

توبه - توبه

شئر - شئر (صدای آب)

یئکه - یئکه (دانیشیر)

شیشه -

یگین - یگین یا یهین یهین

شیشه (قالما)

(سریع)

شیلته - شیلته (باغور -

یار - یار «...دئمک»

مرند)

ساواشا - ساواشا

سوروشا - سوروشا	بیر بیر
اوتورا - اوتورا	ایکی ایکی
سسلی - سسلی	اوج اوج
آنقیرا - آنقیرا	دؤت دؤت
باغیرا باغیرا	بئش - بئش
اوخویا اوخویا	اون اون ... ساییر
زه دن - زه دن	یوز- یوز ... باخیر
ذره - ذره	الی - الی
سئفه - سئفه	مین- مین
تکر - تکر (ترکیه)	میلیون - میلیون
زیریلدییه زیریلدییه	مینوقا - مینوقا = (یاواش
گورولدویه - گورولدیه	(یاواش)
زئر - زئر آغلاماق یا زر زر	(به لهجه مراغه)
آشی	آوا آوا = (آوکلماق)
پاققلدییا - پاققلدییا	تئر - تئر
پوفلویه پوفلویه	چپ- چپ
بالا- بالا	آیری - آیری
تک - تک	تیکه - تیکه
پار - پار (پاریلداماق)	جیککی - بؤککی
جوت جوت	فس - فس
چار - چار (زمستان)	تئل - تئل

يئل - يئل (دئمك = آواز)	گور - گور
دلى - دلى	بوم - بوز
هاوير - هاوير	آغلييا - آغلييا
دیش - دیش	يالنيز و يالنيز (عثمانلى)
اىلدر - اىلدر ()	هنكه - هنكه (يئكه يئكه ...)
...باخير ()	دانیشير ()
سه په - سه په	يئرييه - يئرييه
سرین - سرین	اوزه - اوزه
سس - سسه «وئرمك»	اولا - اولا
سطير - سطير	آتا - آتا
سورا - سورا (پرسش)	اوخويا - اوخويا
شیريق - شیريق	لال - لال (... داويرير =)
قاپا - قاپ	آلیشير يانير ()
شاپ - شاپ	لهلييه - لهلييه
قاه - قاه قاقيلدادى	قورخا - قورخا
قوري - قوروسونا	سوزالا - سوزالا
قاریش - قاریش	ازيله - ازيله
کسیک - کسیک	هؤنکور - هؤنکور (آغلادی)
	ديزي - ديزي
	دؤش - دؤشه ... اوتورور

قىزارا - قىزارا

«...قالدي»

حتى - حتى

گۆتى - گۆتى «گئت دي»

گه ل - گه ل (... دئير)

گۆز - گۆز «... ائيله مك»

گۆت - گۆته «... دئيميشيق

«

گوندن - گونه

گئت - گئت

قيسا - قيسا (باقناعت)

كلله - كللى يه (گلدى)

مات - مات (باخير)

هر - هر (گولور)

يئكه - يئكه

پيشيم - پيشيم نن

«...گئتيرديم»

تئل - تئل

تستس «...باخماق

يا ترسه - ترسه «

تئر - تئر «دوشوب»

جيددى - جيددى

چئشيت - چئشيت

خيش - خيش

خيسين - خيسين (بي سر و

صدا)

دال - دالا «...داياماق»

دام - داما

پرن - پرن

دئر - دئر يا

دررا - در

تاخ - تاخ (صدا)

شاخ - شاخ

باشا - باشا

باش - باشا

به شرط ها - به شرط ها

بیر - بیره جیک «تنها»

بویا - بوی

پار - پار «پاريلدادى»

پچي - پچي

«.../..دانيشماق»

پرتيم - پيرتيم

تاخ - توخ

«داغيلدي»

تيرتير - تيتره دي

پنجه - پنجه يه

اؤلچه اؤلچه (گلدي!)

اوردان - بوردان

بخش پنجم

عبارات تأکیدی

ترکیباتی که در بیان خلوص و نهایت عمق یک صفت بیان می شود :

گؤم - گؤی	دیپ - دیبه	یپ - یه یین (
یام - یاشیل	کول - کوفان	(سزيع
قپ - قره	اپ - ائی	آپ _ آریخ
قوپ - قوری	بم بیاض	سانبالان صاف
آغ - آبباغ	سیم سیجاق	ساغ سالیم
ساپ - ساری	آپ - آیدین	دوم دوز
جیم - جیلاخ	آز - آجیق	بام باشقا
سیم - ساکیت	تر - تمیز	کیر - کیپ
قیپ - قیرمیزی	پاک پاکیزه (	آپ آجی
سپ - سرین	(فارسی	شیپ شیرین
سوپ - سویوق		اوپ اوزون

اوپ - اوزون	ايپ - ايشيق	قيپ قيسسه
جين - جيلواز	قپ - قرنليق	قيست- قيوراق
چال- چارپاز	دپ - دياز	بوم -بوش
آج - آجينا	جيم - جيلاق (سو	برک - قحيم
ييريم - ييرتيق	اولدی)	ديپ -ديری
پاران - پارچا	يئپ - يئكه	بام -باشقا
آچيق - ساچيق	دومبلن - دوز	ايپ- ايسسى
قىل - قيراخ (	ديلى - ديلاور	آپ- آچيخ
پُر)	ديپ- ديري	دپ- دياز
اويور اويور (	ديم- ديك	قوس- قوجا
اوينادي)	دوم - دوز	چئر - چپ انداز
		بوز - بولانليق
		جان - جانا
		باجي
		ترل ترل -
		تيتره دي
		جان - جانا)
		باجي (

بوم - بوز

بم - بلک

هیررا - هیر

(گولدی)

هئر هئرو

لما - لم

«...دولدي»

عبارات تأکیدی

ترکیباتی که حالتی را بطور پیوسته و مداوم بیان می کند و برای تأکید در وسط دو حرف (ها) می آید .
مثال :

دول ها دول	تاراققا - تاراق	سسله ها سسله
وور ها -وور	شاراققا - شاراق	گؤزله ها - گؤزله
توت ها -توت	قاز ها - قاز	اوتور ها - اوتور
کس ها -کس	دئش ها - دئش	یئری ها -یئری
سوی ها -سوی	اوی ها - اوی	یاز ها -یاز
چال ها -چال	قاو ها -قاو	گلدیم ها -گلدیم
باخ ها - باخ	سور ها -سور	آغلا ها - آغلا
یات ها -یات	سوی ها -سوی	شیر ها -شیر
گل ها -گل	آل ها - آل	سیل ها -سیل
قاچا -قاچ (قاچ	وئر ها -وئر	یان ها - یان
ها قاچ)	آچا - آچ (آچ ها -	قال ها -قال
باسا -باس (باس	آچ)	قاچ ها -قاچ
ها باس)	دئه ها -دئه	قاو ها - قاو
شاققا - شاق	یئه ها -یئه	چیخ ها -چیخ
تاققا - تاخ	دور ها -دور	دوش ها - دوش

اوز ها - اوز	مئا من = من ها	سوپور ها سوپور
پرچا - پرچ	من	قاچا - قاچ
خوشان خوش (خوش	فيسسا فس (فس ها	مئسسا - مئس (مئس
ها خوش)	فس)	ها مئس (
خوش - خوشونا	آييل ها ايل	پها - په (... ايلن
خيششا - خيش	باخ ها باخ)	يئدي (
دوزول ها - دوزول	باخاباخ (	زاققا - زاق
اوخو ها - اوخو	سور ها سور	زئرها - زئر
گور ها - گور	ايشله ها ايشله	گور ها - گور
زئر ها - زئر	گؤتور ها گؤتور	گئت ها - گئت
پرتا - پرت (پرت	بيج ها بيج	زينقا - زئناق
ها پرت)	ازيم اازيم)	زيققا - زق
زئرتا - زئرت	ازدي (	زاققا - زاق
يغ ها - يغ	بيرم - بير	پئشتا - پئشت
چيخا - چيخ (چيخ	خارتا - خارت)	يان ها - يان
ها - چيخ)	خارت ها خارت (	تاققا - تاخ
چكاچك (چك ها	پارتا - پارت	شاققا شاخ
چك)	سيخ ها سيخ	گوپپا - گوپ
گئتير ها گئتير	اؤپ ها اؤپ	گور ها - گور
گؤتور ها گؤتور	گئچا - گئچ	تاببا - تاپ يا
	سيل ها سيل	«تاببا - تاپ»

شاببا - شاب لما - لم گئت ها - گئت ده
 پاققا - پاخ «...دولدي» ...
 كسا - كس گون به گون
 مارچا - مارچ دارامبا - تير ها تير
 چاپا - چاپ دورومب
 چكا - چك
 چاتا - چاتلاق حالدان -
 حالا «...قالدي»
 خوشان - خوش
 خارا - خابباز
 تاراخ - توروخ -
 شاراخ - شوروخ
 تاققلتي - شاققلتي
 پوفه - پوف ،
 «پوفه نه - پوف»
 توتا - توت
 تورشا - شيرين
 توك - توكه

بخش هفتم

کنایه لر : (دئیم لر ایچینده)

جماعتی دیندیرماق اولمور = تئز هیسله نیر - یامان دئیر -

یئریندن اولور

قوش سوتی ده وار = هر نه ایسته سز وار !

توکانی جبّه خانا کیمی باسیلیب = هر شیئی وار - دولو دی توکانی

جان درمانی دئن تاپیلار = هر زادی وار - هر نه ایسته سن وار

!

تیکه الینده قالدی = برک نیگران اولدی ! - اضطراب تاپدی

پیشیک قیری وئیر = ازیلیر ، ادا - اطوار گتیریر

اؤزونه پئشه قه ییریب = مثلاً هی کوسور یا آغلیر یا ...

بئینی بئینی دی = هر دم بیر خیال ده - ثابت دوشونمور

بیر پوللوق ائله دی = رسوا ائله دی - اعتبار دان سالدی

آفات قویمادی منده = آغزینا گلنی دئدی منه - بح یامانلار دئدی

! آبیریمی آپاردی

بؤیور دن گیرماق = مزاحمت ائتمک - یاننان چیخمه -

یاننان چیخمه = چاغیرمامیش آدام کیمی - موزاحم

مگر اونی دیندیرماق اولور !؟ = بح هیسله نیب - یامان یوغوز

دئییر - عادى حالدا دییل

بو ایاغینان گلدی = لاپ ایندی گلدی - تزه یئتیشدی

باشین پولا قویلارام = بح پوللو یام . وار - کاریلییام !

باشیما اویون گلدی = بلایا دوشدوم - قضوو قدره توشلانیدیم

آینا داراخ دی = ایش پئشه سی اوزونو بزه ماقدی - فقط اؤزونه

یئتیریر !

سوسول دی = ژیگولدی - نازیک نارنجی دی - (فارس عبارتى)

ائوا خواهر ! = منه ال وورما اوستوم باتار - نازک نارنجی

بات بیره بیرچک ! = گونجل آدام - ژیگول - تکجه اوست

باشینان و تئللریین اویینور .

ایشیخدان سالدی = بح کؤتک لدی- ووردی - جاننان سالدی

گۆز وئىر ، ايشىق وئىر = گۆزدن قويۇر - مواظب دى - كىتىل

ائىر - ماجال وئىر

اوزومە سۆز گلى = منى دانلادى - منە دئىندى -

وورما توتمايا گلى = بىردن بىرە اوجور اولدى . مثلاً اۆلدى -

حالى دىشىلدى

اندر - دۆندر ائله دى = دىيشدىر دى - يئر بە يئر ائله دى

على نىن بۆركون ولى نىن باشىنا قويور = زىنگ دى - باشاراجاقلى

دى - حوققا باز كىمى

ايش دولاندىران دى = باشارىقلى دى - اىندن ايش گلى دى = ايش

آشىران دى

اوردان ساواشىر - بوردان بارىشىر = كىنە ساخلامىر .

ائله كى دولانىر ! = چوخ ضعيف اولوب - قوجالىب - مريض دى

جانىن دولاندىرىر = قوجالىب - ايشدن دوشوب

ھاپ ھاپلىت = قوجالىب - سۆزلىرىن قانماخ اولمور - دىشلىرى

دوشوب

ائله بول منە حجّ يا حكا اولموشدى = منە اوجور دوشونوردوم =

ائله اينانمىشىم

كورد آشى دى = قارماقاريشيق دى - بللى دييل نه جوردى

ائله بول داوار باشى كسيب سن = چوخلى قان گنديب بدنن دن .

قان هر يئرى بورويوب

اوزو سوسوز دى = بى حيا دى - اوتانماز دى

ائله بول ايت ايه سینه باخير = چوخ زوم اولوب باخير = يا

مظلوم كيمى باخماق

جيزيغينن آشيق چيخاتماق اولماز = طرف زيرنگ آدام دى - بيليچى

دى - جوهر دى !

اويون عاشيغى دى - شيت يا سيرتيق اوشاق دى . الده دولانان دى -

منسيمز !

جوهر دى = زيركدى = باجارىقلى دى . علامه دى

ائله بول آرواد اوستونه گلير! = سانكى منى ضعيف ساير

اوستومه يومولور

ال دبت ! = يه هين اول = تله س = يوبانما !

آزاده سى دوزلدى = الينه بير پول گلدى . وضعيتى جورلندى -

اؤزون تاپيب

يئل دَبَرَدَن، (باد) بونون قوهومي دى = هاميينان تانيش دى يا
قوهوم دى

قوش قونارى قالمادى = هنج زادى قالمادى -

باغرى باداش دى = منه ياخين دى - اؤزونو اؤزگه بولمز

يئریندن دوران = هامو - هرکس (كيچىک بؤيوک)

ماميز ياريب = بالغ اولوب ، اؤزون تانييت ! (با طعنه)

بوينوز چىخاردىب = (به طعنه) شاخص شده ! قمپز در کرده (

فارس ها گویند)

آنى قشقه دى = تانيشميش بير آدام دى - هامو اونو تانير

آلا ايت دن مشهور دى = هامو اونو تانير - معروف دى

يئره ن يئتير سورا ! = اول اؤزون اثبات ائله سورا - حدين

تانى ! صبر ائله ! دايان

نئچه آيلىق سان ؟ چوخ تلسيرسن - آرام اول . ياواش !

يئددى آيلىق اولما = تلسمه - بيرآز صبر ائت .

كلله دابان دانيشما = دانيشيغين دوشون - آغزان گلنى بول -

هوه جيک = اوشاغين يوخوسو كاميل اولموياندا اوجور اولار .

همیشه سن گله سن ! = (تعارف) خوش خبر آداما ديير لر - خير

خبر آداما - قوناغا دييرلر

ياريسی يئرین آلتیندا = فتنه فساد آدامدی - چوخ بولموش آدام

دی - زیرک یا دغل آدامدی

هر نه دئسن اوندان چيخار = هر جوره ايش گؤرر (ياخجی يامان)

- علامه دی

يئره باخان دی = حيله گر آدام دی - كؤپيوغلی دی ! دئرين آدام

دی

هر زادا بير پولچوق قوشار = عيب چيخاران آدام دی - (باريك

بين بصورت منفی)

هر زادا قیپ قويار = هر ايشه باخار - هر ايشه قاريشار

بئش واخ نماز چيخ هر زاد ائلر = نادرست آداما ديير لر .

خوروزلانيير = يئرسيز و نامربوط آدام دی - ياشينا گؤره هله

جاهيل دی (به طعنه گويند)

بازار يئتیمی = آخماق - ولگرد - لات ، دیرسیز بير كس (توهين

له)

ديشلى آغارير = سئوينه جك گولور -

نە سندن ، نە مندن = گل برابر اولاق = ادعالاری اؤتوراق =

دعوادان واز گئچاق

ال الە یئره گئداخ = گل برابر اولاق

ایسی سویوق قانان دیل = بی تفاوت دی - یاخجی یامانی بیلمز

سام یئلی بدنینه اسمیب = برکه بوشا دوشمویوب - تجروبه سی

یوخدی

بئش ده وئره جاغی یوخ ! بئشده آلاجاغی یوخ = حساب کیتاب اهلی

دیل . بی تفاوت دی

او نه تانیر هایان هایان دی = بیر یئر تانیمیر - نابلد دی

ساغ سولون تانیمیر = هوشو باشیندا دیل - سفئه بیر آدام دی -

نابلد دی

سرباز نه بولور هئیوا کال یا شیرین دی = بیر زاد قانمیر = علی

الله بیر آدام دی - ایسی سویوخ قانماز !

صدیر دویوسی ائششه یه باش آغری گئتیرر = بو خدمته لاییق دیل -

الله بؤیوک آدام دیل - دیری یوخدی

نوخذاسين دولا بوينونا = اۆتور گئتسين = اۆز باشينا بوراخ .

بوشلا - بوراخ گنده

ايكى قيرانليغى دوشدى = تزه قاندى كى نه وار ؟! - تزه دوشوندى

جريان ندى !

نئچه پوللوق ايشين وار ؟ اوننان نه ايشين وار ؟ (نظير : چند

مردہ حلاجہ)

آى نوموره ! = آى دغل - آى حلقاباز ! آى شيطان !

الّا الله (ايلله لاه) بير آدام دى = لا اله بولمز يا دئمز- حقيقتى

دانار - فقط منفى طرفى ديير

كره كره منه ده كره ؟! = هامونو آلداتيرسان ! منى ده ؟ =

هامويا بؤرك قويوسان منه ده ؟! دا منه يوخ كى !

منه دوققوز قويما نه ! = منى ده آلداتما ! ، منه ده حيله گلمه

! منه بؤرك قويما !

سن اوخويانى من توخوموشام = سنين فيكيرين بولورم ! منه ده

يوخ كى ! منى آلداتما

قوناخدان عمله گلن = نادرست آدام - زنا زاده (توهين اولاراق

دييرلر)

قوناق يولا سالان ايت كيمي دى = هامويا قويروغون تاولير -

يالتاق آدام دى -

عمل اولوب منه ! = منه مزاحم دى - باش بلاسى دى

شيتيل اولوب منه = مزاحم دى منه - ال چكمير

غيرمه گؤراخ ! مزاحم اولما ! ال چك گئت !

شداد ليق ائلمه = ظلم ائتمه - عداوت ائدن آداما ديير لر - بير

ده كي ظالم آداما

شيطانين بورنوننان دوشوب يا گؤ...نن = كثيف و شيطان صفت دى -

دله دوز دى

سويون آخارينا باخير = آغيزلارا باخير - مصلحته باخير - گون

موزدلى بير آدام دى

اولمويا سويون كسميشم ؟! نندن هيسله نيرسن ؟! سنه نه ائتديم

كى ؟! نندن كوسورسن :

گونديغيم داغلار سنه ده قار ياغدى ؟! دئمك سنده بيزه قارشى

دوردون ؟! - سندن بو انتظار يوخ ايدى

سنين كي قالسين ! = گؤر سنه نئيلرم ! (در مقام تهديد)

سنه چوخا باخاجاق = باشان بير اويون آچاجام - يا سنه خر جي

چوخ اولاجاق (در مقام تهديد)

سن کيم - من کيم ؟ = سني تانيميرام - چيخ گئت بوردان !

دلک اولما ! فضوللوق موقوف - آرائي قاتما

ددم ياندي = چوخ عذاب چکديم

دده مالي کيمي = عدالت له بؤلوشماق - مساوي

ديشلان ديش = هر هرو - دوشونمز - يونگول آدام - دايم گولن -

يونگول آدام

بير دامار دي گئچر ! = بولوت لارين هردن بير ياغماسينا

دئيبلر - وضعيت بئله قالماز

جوت اوسس... دي = زورا دوشدي ! تاب گئتيرمه دي

ائله بول قره مال دي = نادان دی - بیرزاد هوش ائله

میر - آنلاماز دی -

آدینی قولاغی اینان ائشیدیب = دئییر بلکه بیر آدم

دی - اؤزونو بیر زاد حسابلیر (منفی باخیش)

الیندن گله نی بئش قابا چک = (طعنه جه) - نه

بولورسن ائت - الیندن گله نی اسیر گلمه

پسه پوسن ییغیشدیر = وسایلین ییغیشدیر گئت بوردان

- هر نه یین وار گؤتور ال چک گئت

ائله بول باش آپاریر = چوخ تله سیر - عجله ائدیر

آغزیندا قاتیق چالیب لار ؟ ندن دینیب دانیشمیرسان ؟

- ندن ساکیت سن - باری بیر کلمه دانیش !

اوزی قیرمیزی دی = اوتانماز آدمی - دیک باش - دیک

دانیشان دی

پته سی سویا دوشوب = الی اوخونوب - (دستش رو شده

(!

آغی آچیلیب - (مثل مثل بالا) -

قره قاباق دی = قاش قاباقلی آدام دی - کیمسیه محل

قویماز ! گولر اوز دییل

ایپه ساپا گلمیرکی ! = نظم نظام تاپمیر - بند

بریه گلمیر

تورپاق قلعه = قبیر - مزار - (کنایه از قبرستان)

بئله بیر شیر بیرنج اولماز ! (مردم تبریز) = بئله

بیر سریماق اولماز - بئله قورقو قورماق اولماز

ایت سوتی امیب ! نادرست آدام دی - حلال سوت امیب

بسم الله سیز توخوم دی = (ناتراز اوشاق دی) -

جووللغی - شولوخ و باش بلاسی دی

گؤزله گؤزو مه دوشرسن ! = (به طعنه یا تغیر) چوخ

زیرنگ اولما ! سن دین دییل - اوجور دییل -

آلداتانماسان منی

اليندن سو دانماز = تاماھكار دى - خسيى دى

ايتيمين دالى قىچى دى = اونى سايمارام - بيرزاد

ديىل - حسابا گتيرميرم

ياين دئب تمه = اونى تحريك ائلمه - دانيشديرما

قوى ساكيت قالسين -

ائله بول باھار بولوتو دى = قاش قاباقلى دى - قره

قاباخ دى - قىافه سى بح توتولموش كىمى دى

ايسى آشينا سويوق سو قاتدى = دوزلميش ايشى

خارابلا دى - صافا چىخن ايشى قارىشدير دى

آغزيندان ھدىك تۆكولور = ياوا ياوا دانيشير - كىپ

دانيشمير - سۆزلىرى بوتون ديىل

اليندن آغاجى دوشوب = قوجاليب - اۋز ايشلرين

گۆرnmير - حسابا قويولمور

آمان گلدى دى = بلا دى - بئىابىر و حىاسيز دى - آلاھ

گۆرستمه سين بير آدامدى

ايپي ني قيررام = اونون جانين آلام ، يئرینه

اوتوردارام

اوني آرادا اويناتمیلار = آرابره يه قويمادیلار -

محل قويمورلار - حسابا گئتيرميرلر

الي نن آدام ياراتير = هونرلی و صنعتکار دی - چوخ

باشاراقلی و ايش بیلن دی

آنادان امديگيم سود بورنومدان گلدی = تنگه گلدیم -

زیلله اولدوم - دردسره دوشدوم -

جَنَماز سویا چکمک = اؤزونو سلامت گؤسترماق - اؤزون

سلامت آدام تانيتير

سو باشدان آشیب = اونون کی اوندان گئچیب - ایشی

بیتیب - یامان گونه قالیب

ساشلارینا دن دوشوب = یاواش یاواش قوجالیر = سئی

اؤتوب - گئچیر

صفحه ني چئوير دي = مطلبى يا سۆزى دئيش دى - موضوع

عوض اولدى . سۆزدن چىخدى قيراغا -

دش لرین چکمیثم = قدرتین الیندن آلمیشام - یئرینه

اوتوتموشام - داها دینه بیلمز

لاپ سویا دؤندی = لاپ خاراب اولدى - برک پئشمان اولدى

دانشجویی گئچینیرم = ساده گئچینیرم - چوخ زرق

برقیم یوخدی - قانع آدامام

شوش پیغمبر دي = دینمز دانیشماز آدامدی - اؤزون

توتان دى - دوز گلیب گئدر - کیمی سایماز

شیره قیز دیریر = یالتاقلیق ائدیر - اؤزون خوش

گؤرسدیر .

دیرناخسیز دي = بیرحم و ظالیم آدامدی - کیمسه نی

عفو ائتمز

دسمال چکن دي = یالتاق آدام دى -

دئولر قولاغينا قور قوشوم = گۆز يا نظر دئيمه سين !

کيمسه بونون خوشلوغون و سلامت ليغين ائشيتمه سين

ديل اوتي اييب - چوخ دانيشير - اوزون دانيشير -

آغزينا گلنى دئير

پرپينه توخومي دي لار = عدلرى چوخ دى - هر يئره ده

وارديلار - اوشاقلارى چوخدى

آدي قارا گلدي = اؤلوم خبرى گلدى - مثلا شهيد اولدى

مرند اؤلوسو کيمى دي = لازم اولميان قدر اوزاتير -

مثلا اؤلويه مراسيم لر کيمى : هفته - قيرخ ، ايل ،

مزار باشى و ...

قانى ترسه ايشلير = برک عصبانى اولوب - بتر

ناراحاتدى - استرسى وار

ايچي ايچين ايير - فيکرى برک ناراحات دى - عصبانى

دى - هيسله نيپ

فیرح دي = (فرنگی دی - اصلده فرانسه لی) یانی

زیرک دی - باشاراجاقلی دی - اوستاکار یا صنعتکار دی

قاسناغی قالین دي - اوتوران یئری قالین دی (

قادینلارا عاید بیر سۆز) - بعضاًده بئینی قالین و

آنلاماز دی

منیم آخیرما چیخب = منی جانا گئتیریب - اذیت

ائلیر منه - وار یوخومو الینن آلیب

آناسیندان آمدیگی سوت بورنونندان گلدی = اذیته دوشدی

- جانا گلدی - بئزیشدی -

آدامین خالاسینا ، قاش یاخاللار ! = خبرین اولسونکی

آداما توهین یا تهمت وورماق اولار ! (منفی باخیش)

او قدر دوردوم آياغیما قارا سو یندی = چوخ صبر ائله

دیم ، بئزیشدیم - یورولدوم

الیم سویودی = بو ایشدن حوصله م قاچدی - ذوق دان

دوشدوم - هوسیم قاچدی - دل سرد اولدوم

دامارلي دي = تعصوبلو دی -

هر زاد وایلو گئدير ! نظم نظام یوخی - هر زاد

نامرتیب و نامنظم دی

نه شیش یانا نه کباب = هر ایکی طرفه مراعات اولسون

- انصاف گؤزلویاخ

بیغلریندن آدام آسیلار = قدرتلی و جانلی باشلی دی

- احتشاملی دی - گؤزه گلیم آدامدی

گؤز لریندن قان دامیر - جسارتلی و قدرتلی و عصبانی

آدامدی

مگر اووجومي اییله میش دیم = مگر من بیلیردیم یا

خبریم واریدی ... ؟

دیل اونی اییب = دیل اوزونلوق ائلیر - نامربوط

دانشیر - چوخ دانشیر

دوشاب دي = آرا قاتان و آدام ساواشدیران دی -

یالتاق و متملق دی (تبریزی ها گویند)

ساپسىز آرمود كىمى يئدى = راحتجا ھەر شىئىن

الیندن چىخاردىب آلدی -

آی ایشیغینه دوشوب = ایشلری یا سۆزۈ آشكار اولوب

دى

آغزیندان سود اىي گلیر = اوشاق دى یا صغیر دى)

به طعنه)

آسمه جوشما توتدی = ھىجانا و استرسه دوشدى

منیم دامیم الحاق دي = تواضعكارام - گئچى نن

آدامام - ھر بلا منیم باشیما گله بولر

ائني اوزونون باسیب = برک كۆكه لیب - بدنى قالین

لاشیب - چوخ كۆك دى

فاپینی اوزونه چیرپ دي= عصبانی اولدی - ھیسلندی -

ساواشدى !

زیرنا چالما !=چوخ دانیشما ! سۆزۈ اوزالتما -

الفاتحه = سۆزون آخیری - ختم کلام - بیرده کی

اؤلویه فاتحه اوخوماقدی

یا حسین چکماخ = ایشین آخیری دئمک دی - ایشی

بیتیرمک

گلایلی دی (گلایلی) = هر جوره و همه جوره آدام دی

- اؤز باشینا - ول گزماق (حالت منفی)

دوواری آلچاقدی = هر گلن بیر سؤز دئییب گنچر - ایاغ

آلتدا قالیب - تواضعکار دی (حالت منفی)

بیوعده خوروز دی = وقت وعده بیلمز - هر هارا گلدی

سۆزون دییر (طعنه اولاراق دئییلر)

داغدان قار بارات ائدیر = بیر ایشی گؤرمه دن وعده

وئیریر (دریا دا بالیق سوداسی ائدیر)

پاتلیاسان پیره مس !³ = چوخ ایفاده لنمک - سسلی

کویلی آدام - هئچ کیمی سایماز - هیسلی هاوالی

³ - پیره مس بیر نفت انرژسی یئن یانان نسنه ایدی . اونا ناسوس ووروب یانديرار ديلارو اوستونده خوره ک بيشردی . چوخ سسلی اولاردی .

تهران گلیب ساللاخانا دیبینه = یوللار چوخ یاخینلاشیب

- (از اینجا تا سلاخ خانه شهر)

تزه کوزه، سرین سو = نظیر : تزه گلسه بازاردان ،

کؤهنه دوشر نظردن (نو که آمد به بازار ...)

سولاری بیر آرخا گئتمیر = بیر بیرینن یولا گئتمز -

اختلافلاری اولار - داییم ساواشارلار

سامان دوشدی زامان⁴ ئولدی = اؤلومه وقت یوخدی (

اؤلوم قاشینان گؤز آراسی قدر دی - کاه هم آدم می

کشد)

قیچی سامان چۆپونه ایلیش دی = بالاجا بیر شیئه

دیینجه یخیلدی - (به شوخی گویند)

سیچان دا قاورقا اییر = او دا اؤزونى گؤستریر -

سؤزلره قاوریشیر - آداملار ایچینده اؤزون گؤستریر

الیندن سو دانماز = تاماھکار دی - خرج ائتمز -

کیمسه اوننان خیر گؤرمز

⁴ - زمان در اینجا اسم آدم است

ھامونو برق توتار ، بیزی جین چیراگی = خلقه گۈزل

اولای اولارسا، بیزه ترسینه دی - ھامویا گلر گۈزل

بیزه گلر دابانی چاتتاق (مثلا بیرى توالت قویوسونا

دوشر اۇلر ،بیری طیاره دن دوشر اۇلر!)

هَس هوس قانمیر = بیر زاد هوش ائله میر - ایسی

سویوق قانمیر

ھاتاران پاتاران دانیشر = آغزینا هر نه گلدی

دانیشر - ملاحظه سی یوخی

یوغونی یورقان آتددا = گله جاق بوندان دا بتردی -

هله چوخ موشکول دالیدا -

هر ایشه قیلپ (قیپ) قویوب = بورا کیمین هر ایشه

ال آتیب - هر ایش گۈروب

یومورتادان توح قیرخر = هر زاد دان بهره چکیب -)

نظیر : قره سویون قیماغین چکیب)

يابى آت كىمى دى = بد خوى دى - بد قىلىق دى - عصبى

دى - بىره دىمز دى

اىپى اوسته اودون قويماق اولماز = اونون اوستونده

حساب گئتمك اولماز - اطمىنانلى دىيل

بابام منه كور دئيب ، هر گلنه وور دئيب = اليندن

گلنى اسيرگلمين آدام - هر ناجور ايش گورن آدام)

(منفى جه)

يولمه ميش قاشيق كىمى = ايستمدن آرايا گيره ندى -

هر ايشه دخالت ائدر

يئددى دن يئتميشه قدر = هامو و هرکس - عمومى

آداملار - اوشاقدان بؤيوگه قدر -

يئددى دره نين سويون بير ارخه يغير = هر موضوع دان

دانيشير - هر سؤزه ، سؤز قاتير (نتيجه سيز)

دره دن تپه دن دوير = هر سؤزدن ديب دانيشير)

(نامربوط اولسا بئله)

يئددى مۇھور آلتىندا ساخلىر = بتر مواظب اولور -

بتر قورويور (تك اوشاق اولونجا)

يۇركون يان قوى ! = گۇردوغون نامناسب ايشه سئوين !

فخر ائله (طعنه جه)

فلان يئرن... حنا قوى يا حنا ياخ = گۇردوغون سفئه

ايشه سئوين ! چوخ گۇزل ايش گۇروبسن بيرده فخر ائله !

(طعنه جه)

شرطى شوخومدا كساخ = اول قرارلارا اوياق سونرا ايشه

باشليياق (موشكولوموز چيخمه سين ديه)

نه آران دا يئريم وار نه داغ دا = موقعيت يمي الدن

وئرميشم - منى سايان يوخدور . داها درده ديميرم

بو آغ دوه هر ائوين ياباغيندا ياتار = اۇلوم آدمى

هر يئرده گيرليه جاق - هامو اۇلمه لى و آغ كفنه

بورونمه ليدى

بو ايمامزادا دان معجيزه چيخماز = بوردان بير نتيجه

يا بهره اله گلمز - بورادان بير خيير چيخماز

باش قولاغى بير عابباسى يا دئيمز = ائله بير دَيرلى

آدام دييل - ارزشى يوخدى - وزنه لى آدام دييل

باش گۆتى بير عابباسى يا دئيمز (نظير مثال بالا)

اونلار بير اير ، آيرى سيچار = چوخ ياخين دوست

اولوبلار - سۆزلرى، سيررلىرى بير دى - باهم اوتوروب

دوراللار

آراز دان گئچنده ، گۆت گۆته دئمشيق = چوخ اوزاق

قوهوموق -

بارماغى گۆتونده اۆلدى = فقير و يوخسول حالدا اۆلدى

-- بيرزادى قالماميش دى

باغ بئله ، بستان وار كاريم چوخدى - هر زاديم وار

بئله =

قىزىلە ال وورسا ، مفرغ اولار = شانسى يوخدى - ايش

گۆرسە ترس اولار (اوواند اولماز) -

حلالىمىز آيرى دى = چوخ ياخين دوستوق - هرزادىمىز

بىر دى ، تىكجە قادىن لارىمىز آيرى اولور (

اينسان چيى سوت امىب = آداملارا اعتبار يوخدور (هر

آداما اطمىنان ائتمك اولماز)

بالتا ساپى دى = (بالتانين ساپى اۆزوموزدن اولونجا

(بىزه ده خيانت ائدر -دوشمانا خدمت ائدر

ايتىن آدين قويدوق گوموش ! = او آدامى چوخ سايدىق

يا محل قويدوق - يئرسىز قدر تحويل آلدىق (به طعنه

(

اوسسوران دان سورا دىك اوتوروب = تزه باشا دوشوب -

گۆردوغو ايشه پئشمان اولوب

اوجادان سىچىب ، هله باشىندان دا گمىرير = اشتباه

ايشى بىر يانا هله قاباقدان دا گلير - زور دانىشير

ائله بیل دوه نالبنده باخیر = چوخ عصبانی دی -

هیسله نیب

آفتافا لگن دو دست ، شام ناھار هئج = ائوده بزک

دوزک چوخ ، آما یئمک ایچمکدن خبر یوخ -

کورک کسن دی = لاپ دیرناخسیز دی - مثلا لاپ چؤرک کسن

دی - بیرحم آدام دی -

کورکدن گیریشماخ = جان و دیلدن بیر ایشه یاپیشماخ -

صمیمی اولماق

کورکونه بیره دوشوب = اصرار ائلیر - بئینینه ووروب

- شککه دوشوب -

بیر بیره یه یورقانی اوتدار = هئج زاد دان گئچمز -

کیچیک بیر زادی دا ایستر ، حتی چوخ ضرری ده اولسا

بئله !

بیت دن بیرە یە کیمی = نکتە سنج دی - هر زادا

یئتیشەر - دیققتی چوخ اولان آداما دئییب لر - باشدان

دیبه کیمین

الیمین دالینا داغ قویدوم = توبه ائله دیم - داها

بیر ده بو ایشی گؤرمرم

اللهم بیر بیر = نوبت گؤزله ! صبر ائت . نظیر :

آسیا به نوبت است ای دوست

آغیز دییل کی ، مچید دی = حق سؤز یا گؤزل سؤز

دانیشیر - منه مناسب دانیشیر اودور کی یاخجی دی

کؤکلتماق = بیر آدامین بعضی شیئدن خوشی گلمیین جه

، اونا هوجله ماق و هیسلتماق، مثلاً تورش الچه یا

...

آرپاسی چوخ دوشوب = اونى چوخ تحویل آلیب لار - چوخ

توجّه اولونوب - پایى آرتیق دوشوب - (طعنه لی سؤز)

بورنى يئللە نىب = مغرور اولوب - بير داها آدمى

سايدير - هاوالانىب -

يئردن گۆيدن دئير = هر يئردە ن ، هر موضوع دان

دئيب دانيشير - (اولسونكى منفى يا مثبت اول)

ساغ سولا باخدير = كيمسه نى ملاحظه ائدير -

دانيشاندا و يا اوتور دوردا يان يئروه نى گۆزلە

مير)

يان يئروه سين قاپير = هرکس له بد رفتار دى -

هامويا سرت جواب وئير - عصبانى دى

سالان بولان دى = آيرى بويرى گئير - دوز يول گئده

بيلدير - ازيل بوزولدى

كهليى آزيب = چوخ يئيب - يا اؤزون ايتيريب -

آراز ، ايت پوخى ! = داعوا شاوادا شوخلوقجا ديرلر

؛ داعوا سوشسون ديه -

دینن داش ... غیمی یئسین = دعوانی قورماق اوزره
شوخلوقجا دئییلیر کی دعوا قورتولسون (نظیر مثال
بالا)

کوپویه مینن قاری = قوجالمیش فتنه فساد قادین -
حیله گر و سۆز دولانديران قادین
ایت آپاران اولسون = وئردیغی پول یا مال اله گلمه
دن بئله دییر لر - حرامین اولسون -
حضرت عابباس مالی ائله دیم = اله گلمیه ن مال حضرت
عابباسا سونولور (بلکه طرف قورخوب وئرسین بئله)
آت دوداغی بیر دانیشیر ، اوست دوداغی بیر = هردن
بیر سۆز دئییر - آلت اوست دانیشیر - (منفی جهت دن
اولور)

آدامین آناسین آغلدار لار = (دمار از روزگار کسی
برآوردن) -

آتتا بوتتا دانیشیر = نامربوط سۆز لر دئییر - بئلی
دییل سۆزو ندیر :

چپ راست دانیشیر = سۆز لر ی بللی دییل - هر هاردان
دئییر

دیشی باتمیر = زوری چاتمیر - قدرتی چاتمیر

آرالیق آتی (یا ایتی) کور فاطه = کور فاطما

قادین کیمی سۆز دولاندریر - قادین آرادا قالیب

اوردا بوردا دولانیر

غیل ایوای ، هوش ایوای ! = بیر عیبه جر ایشین

اولدوغونا دئییلیر - (در مقام تعجب و نفی)

آیی ینان بیر چوخورا گیریب (یا بیر چووالا گیریب)

= نا باب آدمنان گزیر دولانیر - ناطراز آدمنان

اوتور دور ائلییر

نه حامام نه تاس = من سنی تانیمیرام ! سن کیم من

کیم ! (در مقام نفی و انکار واقعیت)

بالاخاناسين ايجارييه وئريب = هوشون الدن وئريب -

اۋزوندن دييل - دوز دوشونه بيلمير

تاريخ ناديرين ياريسين اوخوموشام = منده بير هس هوس

قانيرام - بير شيئر بيليرم ! بئله ده دييل !

توكان ائله ماق = (نظير كۆكتماق) - بير آدامين

بير زاددان خوشى گلميينجه ، هئئئى اونا دئييب

هيسلتماق

اوزونون دريسى قالين دى = اوتانماز دى - اوزو

قىرمىزي دى - چوخ ملاحظه ائتمز

ايلانى سيد احمد اليئن توتور = اۋز ايشين ، اۋزگه

الييله گۇرماق - شخسى ايشده اۋزگه نى وسطه قويماق

ايش ايشى گۇرسدير =

هر ايتە بير كوت بوشلو دى = هامويا بورجو وار -

الينده بير زاد قالميب - مياىسى الدن گئديب و

بوشلى دى

ئولى قالخېب مرده شونو يووور = قاباقدان گلن ليق

ائلمك -

گمى ده اوتوروب ، گمى چى نين گۇزون چىخادير =

اونى آليرم ، كپه يه قاتيرام = بئكارام - باشيمى

دولانديريرام - هله كى بير شيئ يوخ

اتى سومويوندىن چوخدى = عقلى يوخدى - ساده آدام دى (

در مقام شوخى)

لا حول و لا ! = تعجبوب حاليندا دئيلير - بير ايشين

دوز اولماماسى كيمى

اه نئيليم حبى آتيب = بى تفاوت اولوب - هئچ زادا

اهميت وئرمىير - اۇزون مسئول بولمور

آى ايشيغينه دوشوب = گۇردوغو ايش آشكار اولوب -

بئله نيب - (در مقام نفى يك عمل گویند)

آت گئتدی ، اۋرکنی ده آپاردی = هم آت قاچدی همده
ایپی آپاردی = بیر ایش هم ناجور اولدی ، هله بیریده
اوندان بتر

آخار سویا گئتسه باتیرار = بد اقبال و بدیمن آدام
دی - هر ایشه ال قاتسا خئیر اولماز . بدشانس دی
دان اۋوره سی یوخدی = زمان مکان بيلمز - وقت وعده
تانیماز

سینیق ائوین دیره یی دی = چوخ درده دین دی - ایش
آشیران دی - هر ایش الیندن گلر (قیز لر اوچون
دئییلر)

ایلانین آغینا دا لعنت قاراسینا دا = هر لیباس دا
اولورسا اولسون ، منظور پیس آدام دی .
امیر بازارینا اوت دوشسون ، منه بیر دسمال چیخسین !
هر نه اولور اولسون ، الیمه بیر شیئ گلسین

دایى سى توپچى دى ! = اۋزو هئچ دى ، آنجاق

اطرافيندا بعضيلرى اونا داياقدى - (در مقام نفى

كسى گویند)

ائرمنى قان گۈروب ! = چوخ قورخن اوشاغا دئييلير)

سانكى بارماغيندان بير قطره قان گلسين بئله)

اۋزون اۋزگه دن سوروشور = وضعيتى خراب دى - مالى

دورومو يوخسا حالى خوش دييل - اونى سايان يوخدى

گونه باخان آدام دى = هر گون بير جور دى = ايكى

اوزلى و گون موزدلى بير آدام دى - يالتاق دى

آيا دئيير سن چيخمه من چيخيم = چوخ گۈزل دى ، ائله

كى آيا - گونه بنزر (قيزلره تعريف دئييلر)

اوتونان پامبيغى بير يئره قويمازلار = يئتگين قيزى

و اوغلانى بير يئرده تك قويماق ياخشى دييل

اوتونان سو كيمين ديلر = بتر دوشمان ديلار - هئچ يولا

گئتمز لر -

ایت اییه سین تانیمیر = وضعیت قارما قاریشیق دی -

هامو بیر بیره دییب - هرکس بیر حالدا

ایت گیرسه باشین تاوولار چیخار = هر شیئی نظم دن

چیخیب - مثلاً ائو ، ائله بیر بیره دئییب کی !

خط 11 نن گئدیرم = سواره دیلم - ماشینیم یوخدی .

پیاده گئدن طلبه لر دیر لر . یانی قدم آتیرام

صفا مروه ائتمک = هدف سیز دولانماق - ایش اولمادان

بئکار دولانماق

شیطان فهله سیدی = (3 - 4 یاشیندا اوشاعا) دیرلر

- بئکار و نسیه بیر ایشلر کیمی

جوجه نی پاییز دا سایالار = هر ایشین نتیجه سی آخیر

دا بئلی اولار

چؤمچه توتانی دی = یانی اونون ایشگذار آدمی دی -

موباشیری دی - ایش گؤره نیدی

جریان هانسی (ج) ینان دی ؟! = یانی بو آدم هئچ

زاد دان غلی کسمیر . هوشی باشیندا دییل .

چوخ پیاده دی = تجروبه سی یوخی - بیر زاد بولمور -

صفر کیلو متر دی = هله ایشه باشلامیت و تجروبه

قازانماییب - ایشی نین اولیدی - هله اطمینانلی

دییل

بو خمیر چوخ سو آپاراجاق = هله بو ایشین دالیسی

وار - یولا دوشونجه بعضی ایشلر گؤرونملی دی

عبیل اوغلی عباس دالیسینا قولاغ آس = صبر ائت گؤر

داها نولاجاخ - هله نتیجه سی بئلی دییل

حکیم ائشک اتی بویوروب = بو ایش گئرك بو جور اول

- بو سؤز دالی قئیتمز - حکم اولوب

تویوغون بیر قیچی وار = اصرار ائتمک - حؤکم ائلمک -

غلط بیر دستور یا بیر سؤزو هوججه لمک

کاشان میسی دی = ثابت بیر زاد دی (مثلا سلامت لیقده
یا محکم لیقده و ...)

قاپیسی آچیق دی = قوناق سئور آدام دی - وار کارلیدی
- ساییلان آدام دی

هله دوزا گئدیر = تجروبه سی یوخدی - اشتباه دا دی
کیرمان فرشی دی = خراب اولمویاندی - گونی گوندن
گوزللشیر - محکم دی

بویا خانا کوپی دییل کی باسیم چیخاردیم = بو ایش
تئز عمله گلمز کی ! فوری فوتی اولان دییل - زامان
آپاراجاق

قان قباحت اولمادی کی = خطا اولمادی کی - (نولدی
کی ؟) - دوزه لن بیر ایش دی

ایمام الی کسمدیم کی = خطا اولمادی کی - حرام ایش
گؤرمه دیم کی

تويدان سورا ناغارا ، خوش گلدين بايرام آغا = بير

ايش اولدوقدان سورا خوشاگلمز كيىمى - (قاباقچا

گؤرولمه ليدى)

اىل آغزى چووال آغزى = خلقيىن آغزين يومماق اولماز .

هر زامان ، هرکس بير سؤز دانيشا بيلر ،

سانكى گؤ ... نه باريت قويدولار = بيردن هيسلندى -

داشلاندى - بيردن آچيلدى

گؤى يئره گلمه ديكى = يا قيامت اولمادى كى =

اشتباہ ايش گؤره ن دوير - (يانى تزدہ دن اولا بيلر

(

لاپ شيت شورون چيخاتدى ! = حديندن چيخيىب - آغزينا

گلنى دانيشير - ملاحظه سى يوخدى

ايت جاني وار = بدننى چوخ محکم دى - وورسان دا جاني

اينجيمز .

معلوم دیل هانسی یووانین قوشو دی = نابلد آدام دی

- تانینمیان بیر کس دی - یئر سیز یورتسوز بیر آدام

هم نالا وورور ، هم میخه = ایکی اوزلو دی - هم

اویانا طرف دی هم بویانا

داش اوسته نوخود گؤیردیر = بتر حيله گردی - اولماز

قالماز ایش الیندن گلر

آرپانی دووار اوسته دالی دالی یئریتر = چوخ بولوجو

دی ، اوستا کار دی ، هر حوققا بزییه بیلر !

دونیا دا ایسسوت دادمیب = هس هوس قانمیر - کالا کئه

دی - خیر شر بولمور

دیبیلی دیبوی دی = اخمق آدامدی - اویناغان دی -

سئفه دی !

دئدی دئدییه راس گلدی = وضعی قاریشیب - قاباخکی

وضعی خوش ایدی ایندی اوجور دیل - نظر ووروبلار

تولکویه دئیر قاچ ، تازی یا دئیر توت ! = ایکی

اوزلیدی - آراقاریشدیران دی -

گیز گیزه کیمین دی = چوخ زیرکدی - داییم چابالار -

اویان بویانا قاچار چالیشار قازانار

دوه نظرم ، بئله گزه رم ! = اؤزونه مغرور بیر آدام

- اؤزون بیه نن آداما دییر -

آغا تاپدیق ، عرض ائله دیق = بیرى نین خواهشین ردّ

ائله سن دییلر (در مقام گله و انتظار)

بیرتون تنبکی چکدیخ سؤز دانیشدیق = بیر سؤزو باشا

دوشممه مک - قول قرارى قبول ائتمه مک

کوپه یاغدان آغیر گلیر = خرجی اؤزوندن چوخدی -)

آفتابه خرج لحیم می شود - فارس ها گویند (

قره سویون قیماغین توتور = چوخ تاماهاکار دی -

قیتمیر دی -

زیرناچی نین اۋز تویی دی = ایش اۋزونون ایشی کیمی .
مثلا بیر آشباز اۋز آداملارینا قوناقلیق وئرسین بئله
.

زققه نی قورقوشومنیوب = دالیسی محکم دی - وقتینده
اۋزون تاپیب ، وارلی کارلی دی .

دیشی شیر یه باتیب = بیر آدام بیر یئردن منفعت
آپارسین دییه ، یئنه دالیجا اولار . دیر لر دیشی
شیره یه باتیب .

دوه کینی = دئمک دوه چوخ کین لی اولار. بعضی
آداملارین عنادین اونا بنزترلر .

دیلیم دیلیم اولاسان دیلیم ! = اشتباه دانیشاندا
دیر لر دیلیم ... (دیلیم اول (زبان) و دومی)
قاچ = پارچا پارچا)

قورد دی ! قویون لیباسیندا ! = ایکی اوزلو آدام -
اوزده بیر جور دالدا دا باشقا جور - دوشمان کیمی

قوری قوری قوربانین اولوم ! = بوش بوشونا آرایا

گلماق - فقط تعارف ائتمک - عوض وئرمه مک

قازانچانی توپانچا اوخور = خرفلییب - دئیشیک اولوب

- عوضی گؤرور - هوشون ایتیریب

قویروغی قاپی آراسیندا دی = ایشی گیره دوشوب -

سیخینتی ده اولان آدام -

سنی قئینانان چوخ ایستیر = بعضاً یئمک اییه نده بیر

گلسه دییر لر : سنی ...

قوردی اولویوب = خوشبخت دی - شانسلی دی - وضعی

خوشدی -

قورد دئدیق ، قولاغی چیخدی = اونون صحبتین ائلیردیک

- اؤزو ده گلدی -

قره قاطیر دی = طعنه ایله بیر آدامی قاطیرا

اوخشاتماق - (منفی جهت دن)

کور امجک دی = اوننان بیر زاد چيخماز - وئر الى

يوخدی - قطمير دی

کلبلا (کربلا) کسیلدی = شيون اولدی - (عزادارلیق

یا نوحه خوانلیق بتر اولدی)

قرقه لره گؤز ائلیر = اؤلومو چاتیب - اؤله جک -

گئتمه لیدی -

دالیندا 15 تای دویی (برنج) گزديرير = قوجالیب ،

لاپ اؤلوم وقتی دی - الدن دوشوب ! و ...

من ايچيرم او کئفله نير = منيم عوضيمه او خطا ائلیر

یا اشتباه گئدير

شیطانا درس وئرر = بلا بیر زاد دی - زیرنگ دی - ال

ایاقلیدی

ننه قارنیندا کبیر اولوب = باشاراجاخلی دی - ایش

بولندی ! (دجل اوشاغا دیرلر)

یات یات دی = تنبل آدام دی - سست دی

بیرگون ایپ دوغاناخدان گئچر = هر نه اولسا ،

بیرگون ایشی دوشر منه - گله جاخ بورا

آتینى اویناتیر = اؤزون نیشان وئیریر - کیمسه دن

چکینمیر . مغرور اولوب

ائششه یی سودان گئچیب = آرزوسونا چاتیپ - وضعی

دووزلیپ

آغزی آشا ، باشی داشا ! = اؤزون تاپان همن اۆلدى -

ائله کی چۆرک تاپدی ، اۆلدى

بیسمیل دی = ساکیت آدامدی - ملاییم و سۆز ائشیدن دی

-

سویى باش یوخاری گئدیر = مغروردی - اۆز عالمینده

بیر شیئ دی

سویا دوشموش ایت کیمین دی = وضعی قاریشیپ - گۆرکمی

خوش گۆروشمور -

بورنون توت جانى چىخه = بدننى ضعيف دى - ضعيف بير

آدام دى - جانلى باشلى دىيل -

گونى گونه ساتير = وقت گئچيرير - بير ايش گورمور -

ياريم آرشىنى ائىيلىب = وار كارين الدن وئريب -

حالى خوش دىيل

قاش گه قوجوما دى = ائولنماغينا هله تئز دى - اوشاق

كىمى دى - ننه آغيز دى

هنكه بانى دى = يئكه دانىشان دى - اؤزون گورسدن دى

-

قاباخدان يئميين دى = داعوا دالاش دان چكىلمز -

قورخماز باش دى

هم آخيردا ايير ، هم نخيرده = هر طرفدن بهره آپارير

توز - دومان ساليير = هاى كوى ساليير - بيلمىدن بير

سؤزلىر دئىير - اؤزون گؤسترير

ايت باخاننان باخير = اوز وئرمه دن اوزاقدان باخير

- محل قويان يوخدى داليدان باخير

ايتين ديلين بولور = هر شئي قانير - هوشلو باشلى دى

(به بچه گویند)

ايتين سؤزون اونا سايدى = هيرسين اونا تۇخدى -

آغزينا گله نى دئدى

اونون باشينا ايت اويني گئتير دى = (مثل عبارت بالا

(

اؤزوني آدام يئرینه قويور ! = ملاحظه ائله مير -

اؤزونو بيرزاد سايير -

آدام اولوب آداملارا قاريشيب = اؤزونو تانييب -

اؤزون دوشونور - اوستونده حساب گئتمک اولار

آدام اولمياندا ، اونا آدام دئيير لر = حساب

کيتابلى اهلى دييل - ملاحظه سى اولماز

آدام گورمويوب ، دئير بلکه بير آدام دي = (نظير
مثال بالا)

آغير اوني باتمان گل = اوزون اويناتما - يئرين تانى
!

آغزي وار ديلي يوخ = ساکيت بير آدام دی
آغزیندان چيخانی قولاي ائشیت میر = سؤزلی حسابلی
ديیل - سؤزونہ صاحب ديیل

عغيل ايواي ، هوش ايواي = بو آدام سئفه دی - هوشو
باشیندا ديیل

آلاه بولر نه يولون آدامي دير = نابلد بير آدامدی -
تانيماق اولمور

بير پارچا چورك اولوب, ايتيب = اوندان خبر يوخدی -
قار کیمی ارييب گئديب - يوخ اولوب

بير سوباي اولغان, بير ميتيل يورقان ! = تک بير
اولغان دی - باغيمسيز دی - تک تنها اولور .

آلاه گورستمه سین ! اونون اوزي اوز گوروب = (آبیر

- حياسي یوخدي) - اوزو آچیلیب

اورک دن تیکان چیخاردان دي = جانا سینر بیر آدام دی

اوره گي بویوک دور = ظرفیت لی آدام دی - تئز

یئریندن اولماز - حوصله لی و صبیر لیدی

اوزونون سويي توکولوب = آبیر حياسي قالمیب - بی

حیا دی

ائله بول ایتین گوتونه سوخوب چیخاتدیلاز ! = بوتون

آبیرین آپاردیلر - رسوای ائله دیلر

سقلی ایتین گو ... ده دی = رذیل آدامدی - بی آبیر

اولوب - اعتباردان دوشوب -

بیچاق سومویه دایانیب = جانا گلمیشم - بیلیمیرم نه

ائدیم ! باشقا چاره م یوخدی

بُوینو اوزون بیئینی بؤش = بی غیل آدام - سئفه

دانیشان -

دیردک = سئفه آدام - یونگول - آخماق

بوینو- قیلدان نازیحدیر = سۆز ائشیدن ومتواضع دی -

بورادا دوه یوکو یئن ایتیلر= وضعیت بح قاریشیق دی

- نظم ترتیب یوخدی - آرا قاریشیب

باشی گؤتونه آغیرلیق ائلیر = بو آدام یئکه دانیشیر

- ناطراز آدام دی - دردسر دی

بال یئمە میش ، بلایا قالدیق ! = باشیمیزا بلا اولدی

بَره نی سویا وئرندن سونرا باشا دوشوب - تزه دن

پئشمان اولوب - تزه هوشو باشینا گلیب

بیر آغاچا چیخیب ، یوز بوتانی سیلکه لیر = تکجه

بیر ایشی وار آما هر یئره قاچیر .

باشی قارنینا = جهنمه گئتسین - اؤزو بولر - اؤز

باشینا بوراخین

سیلله ایلن اوز قیزارتیر = وضعی خارابدی آما

بولدورمور - ظاهری حفظ ائلیر

بیر دریدیر، بیر سوموک = جاننان دوشوب - چوخ

آریقلییب - جانی قالمییب

آغزینی قُویوپ آله یولونا = هر نه آغزینا گلیر

دانیشیر - سۆزلی معناسیز دی

آغزینا سۆز آتیپلار = اۆزگه دیلینن سۆزون دانیشیر -

اۆز سۆزو دییل - اۆرگه دیبلر

آدی دیلر ازبری دی = هامو اونو تانییب - (منفی یا

مثبت)

جیندیرین نان ، جین قۇخار = لیباسلاری چوخ ناجور دی

. گئییمی خوشا گلن دییل - کاسیب لییب - وضعی

خارابدی

داشلاردا دیله گلیر = سۆزلی ائله اثرلی کی ، آز

قالا داش دا دیلله گلیر -

اوخ آتیر ، یایین گیزلیدیر ! = بیر سۆز دانیشیر آما

دالیسین گئتیر میر - سۆز آتیر بلکه بیر زاد قانیدیرا

هر ياندا آش دي اوردا باش دي = هاردا بير ايشيق

يئرى (خيىر) اولسا اورا گئدر

آع ساققال ، قارا سقل تانيماز = بؤيوك كيچيك

تانيماز . كيمسه يه محل قويماز



بیوگرافی مختصر نویسنده کتاب :

من در سال 1321 شمسی در سلماس بدنیا آمده ، تحصیلات ابتدائی و دبیرستانی را در زادگاه خود بپایان رساندم ، سپس دوره یکساله تربیت معلم (کالج) را در تبریز گذراندم و در سال 1340 با استخدام حوزه آموزش و پرورش شبستر درآمدم و حین تدریس در تبریز ، به سال 1350 از رشته جغرافیای انسانی و اقتصادی دانشگاه تبریز فارغ التحصیل و به سلماس منتقل شدم و 23 سال در دبیرستانهای سلماس در خدمت جوانان زادگاهم بودم .
النهاییه در سال 1373 پس از سی و سه سال خدمات صمیمانه فرهنگی از آموزش و پرورش سلماس بازنشست شدم

با توجه به علاقه ای که در مورد مسائل فرهنگی آذربایجان داشتم ، چه در ایام تحصیل و چه در ایام تدریس ، مطالبی در زمینه های مختلف از جمله تاریخ ، زبان ، فرهنگ ، فولکلور و سابقه ترکان آذربایجان و سلماس گردآوری کردم که در دفاتر مختلفی یادداشت شده بود . پس از بازنشستگی فرصتی دست داد تا یادداشتهای خود را مجدداً مرور و بازبینی نمایم که حاصل آن بیش از ده جلد و مجموعاً 15 جلد کتاب است .

بعضی از آنها عبارتند از : جغرافیای سلماس - نقد رساله آذری
 کسروی - فولکلور و فرهنگ سلماس (دو جلد) - یادداشتهای
 پراکنده (دو جلد) - مقالاتی پیرامون زبان ، تاریخ و فرهنگ
 ترکان (3 جلد) - مقالاتی در مورد سلماس - سینونیم ها یا
 مترادفات در زبان ترکی - شرح حال بعضی مشاهیر نوشته بسیم
 آتالای (- شرح حال میرزا سعید سلماسی قهرمانان مشروطه
 آذربایجان (به اشتراک جناب دکتر توحید ملک زاده) - شرح
 حال مسعود دیوان قهرمان لکستان - ترجمه کتاب (آنچه درباره
 ترکان گفته اند) - شرح زندگی من و پدران (مربوط به حوادث
 منطقه و سلماس در جنگ جهانی اول و دوم) و ...
 بعضی از این مقالات در نشریات مختلف چاپ شده و بعضی نیز در
 سایت اینترنتی من و دیگران موجود است . و این همه اداء
 دینی است که به جامعه خود و همشهریانم داشته ام .
 به راه باده رفتن به از نشستن باطل
 که گر مراد نیابم به قدر ذره بکوشم - سعدی

منابع :

زبان آذری ادبی معاصر. دکتر زهتاب

علم المعانی، لکسیکولوژی. دکتر زهتاب

فرهنگ لغات ترکی (بهزاد بهزادی)

فرهنگ لغات ترکی (پیفون)

منظومه حیدر بابای شهریار

داستانها و حکایات آذربایجانی

مقالات و نشریات ترکی

دفاتر یادداشت‌های شخصی

محاورات و شنیده ها

سایت اینترنت

پایان